



بررسی نهاد معافیت قضایی از مجازات در حقوق کیفری ایران

مسعود فدائی ده‌چشمه^۱
عسل عظیمیان^۲
امیر سلیمانی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵

چکیده

یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی جدید در موضوع تخفیف، بحث معافیت از مجازات در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت ذکر شده در مواد ۱۹ و ۳۹ این قانون می‌باشد. در جرایم موضوع مواد یادشده (تعزیری درجه هفت و هشت)، در صورت احراز شرایط تخفیف، اگر دادگاه پس از محکومیت تشخیص دهد که مرتکب با عدم اجرای مجازات اصلاح می‌شود. در صورت عدم سابقه کیفری موثر و بخشش شاکی و جبران خسارت یا ترتیبات جبران آن، می‌توان حکم معافیت از مجازات را صادر نماید، طبق این ماده حکم معافیت گرچه در ماده ۷۲۷ قانون ۱۳۷۰، در صورت گذشت شاکی خصوصی از مجازات صرفنظر می‌شد اما تخفیف یکی از نوآوری‌های قانون جدید است در واقع، این ماده نوعی توجه به موقعیت داشتن تعقیب در قانون فرانسسه است. در حقوق ایران، دادگاه و نه دادستان حق دارد که در صورت وجود شرایط منعکس در ماده یعنی تشخیص اصلاح مرتکب، گذشت شاکی خصوصی، فقدان سابقه کیفری موثر، جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیب جبران آن، حکم به معافیت از کیفر صادر کند. چنین اختیاری به صورت تعلیق تعقیب که سابقه آن در ماده ۴۰ مکرر قانون آیین دادرسی ۱۳۹۰ اصلاحی سال ۱۳۵۲ و ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری در مورد جرائم جنحه‌ای، وجود داشت؛ اکنون نهاد تعلیق تعقیب در ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۴ به دادستان داده شده است. این تحقیق بصورت کتابخانه‌ای - اسنادی انجام شده که ابتدا با توجه به موضوع به منبع‌یابی در رابطه با موضوع پرداختیم و سپس با گردآوری منابع به مطالعه در این زمینه پرداختیم.

^۱ دانش آموخته در رشته حقوق، گرایش جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. Masoud.m.fadaei@gmail.com
^۲ دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو هیات علمی گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. (نویسنده مسئول): avocate.ir@gmail.com
^۳ دانش آموخته در رشته حقوق، گرایش خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. Soleymaniamir1987@yahoo.com

واژگان کلیدی: جرائم تعزیری، مجازات، جهات تخفیف، معافیت قضایی، گذشت شاکی، تعلیق تعقیب.

۱ - مقدمه

قطعیت و حتمیت کیفر، از دیدگاه اندیشمندانی چون سزار بکاریا^۱ به عنوان ساز و کار بازدارندگی از ارتکاب مجدد جرم مطرح شده است. بر این اساس، قطعی و یقینی بودن اجرای کیفر به این معنی است که نظام عدالت کیفری، پس از طی شدن مراحل مختلف و صرف هزینه‌های زیاد در چرخه نظام دادرسی کیفری، به بهانه‌های مختلف بزهکاران را از تحمل کیفر مورد حکم، معاف نسازد. در کنار پایبندی به این اصل، توجه به این امر ضروری است که تحمیل کیفر شلاق و حبس بر بزهکارانی که از مشکلات جسمی برخوردارند نه تنها جنبه بازدارندگی عام و خاص نداشته بلکه هزینه‌های بیش تری را بر بزهکار و حتی جامعه تحمیل می‌کند (خانی، و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱۸).

بخش دوم از کتاب نخست قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با عنوان «مجازات‌ها» طی مواد ۳۶ الی ۳۹ ذیل فصل چهارم این بخش با عنوان «تخفیف مجازات و معافیت از آن» با بحث پژوهش حاضر مرتبط می‌باشد. در این قانون مجازات‌های بازدارنده حذف شده و ماده‌ی ۱۴ در بیان اقسام مجازات، به حد، قصاص، دیه و تعزیر تصریح نموده است. از تحولات مهم قانون مذکور تقسیم بندی مجازات‌های تعزیری پیش بینی شده برای اشخاص حقیقی به هشت درجه در ماده ۱۹ است. در راستای اعمال اصل فردی کردن مجازات، و پرهیز از اجرای مجازات‌های خفیف که تنها واجد آثار سوء برچسب زنی^{۲-۳} مجرمانه بر فرد است، مقنن در مواد ۳۸ و ۴۵ اختیارات گسترده تری را به قضاوت تفویض نموده است.

قانونگذار نهاد معافیت از مجازات را با شرایطی در ماده ۳۸ پیش بینی کرده است که همانطور که در قبل بیان کردیم شرایط اعمال این ماده با شرایطی که در ماده‌ی ۳۷ برای تخفیف مجازات بیان نموده یکی هستند که بخش زیادی از آن تکرار جهات مندرج در ماده‌ی ۲۲ قانون مجازات

۱. Cesare Beccaria

۲. نظریه برچسب‌زنی یکی از نظریه‌های مطرح جامعه‌شناسی و به طور خاص در حوزه جامعه‌شناسی انحرافات می‌باشد. این نظریه از دهه ۱۹۵۰ به بعد در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی آمریکا مطرح گردید. نظریه‌پردازان نظریه برچسب‌زنی معتقدند انحراف یک پدیده اجتماعی است و بر این باورند که کجروی‌های اجتماعی ناشی از عوامل روان‌شناختی یا زیست‌شناختی نیست، بلکه این جامعه است که هویت انحرافی را در افراد پدید می‌آورد. بسیاری از جامعه‌شناسان این نظریه معتقدند که گروه‌های اجتماعی قانون را به وجود می‌آورند و مشخص می‌کنند چه رفتاری و تحت چه شرایطی صورت پذیرد. وقتی قانون وضع گردید، فردی که آن را زیر پا گذارد و نتواند خود را با قوانین گروه سازگار کند، بیگانه یا اجنبی خوانده می‌شود. "هاوارد بکر" معتقد است بر اساس این فرضیه که قوانین را اجتماع می‌سازند و نقش‌ها به طور یکسان توسط افراد رعایت نمی‌شوند نظریه برچسب، به وجود می‌آید. ممکن است کجروی‌ها در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون به طور مختلفی تعریف شوند و حتی ممکن است دسته‌ای از مردم قوانین را زیر پا بگذارند، اما کجرو خوانده نشوند.

۳. Labeling Theory

اسلامی سابق است. از ابداعات این ماده در بند ب پیش بینی «همکاری موثر متهم در کشف اشیاء به کار رفته برای ارتکاب جرم» در کنار «همکاری جهت کشف اشیاء حاصله از جرم» به عنوان جهت تخفیف مجازات است که قسمت نخست در قانون سابق مغفول بوده است. این جهت موجبات تشویق متهم به همکاری در این مورد را فراهم می‌آورد که تأثیر زیادی در کشف جزئیات بیشتر جرم و مرتکب است. هم چنین در بند ۴ قانون جدید اقرار موثر متهم در مرحله‌ی رسیدگی در کنار مرحله تحقیق، از جهات تخفیف دانسته شده و مرزبندی مرحله‌ی تحقیق و رسیدگی رعایت شده است (موسوی بایگی، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

تبصره‌ی ماده‌ی ۴۲ قانون سابق ذیل عنوان «شرکاء و معاونین جرم» شریکی که نقش کمی در ارتکاب جرم داشته را مستحق تأثیر به تخفیف مجازات قرار داده است. قانون مجازات اسلامی جدید این موضوع را ذیل «جهات عمومی تخفیف مجازات» و در بند ح ماده‌ی ۳۷ ذکر کرده و موضوع را علاوه بر شریک، به معاون نیز تسری داده است.

قانون جدید ندامت متهم را نیز به عنوان یکی از جهات تخفیف دانسته و در بند ث به برخی مصادیق «وضع خاص متهم» مانند کهولت و بیماری تصریح کرده است. این تصریح با هدف شفاف سازی امکان تعمیم وضع خاص به وضعیت جسمی و فیزیکی متهم می‌باشد. شاید بتوان گفت نوآوری مهم این ماده در جهت مندرج در بند ملحوظ است که خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا نتایج زیان بار جرم از جهات تخفیف و معافیت قضایی دانسته شده است.

۲- مفهوم مجازات

اجرای صحیح احکام مستلزم شناخت دقیق موضوعات است بدین لحاظ هر که در این وادی گام نهاد باید متعلق احکام را به خوبی شناسائی کند و الا در دام جهل مرکب گرفتار خواهد شد. در این راستا باید قلمرو ماهیات حقوقی را به گونه‌ای ترسیم نمود که وجودی نا همگون داخل در ماهیت نگردد و مصادیق دیگر نیز خارج از آن نباشند. این وضعیت در حقوق جزا اهمیت بسزائی دارد چرا که ترسیم نادرست و مبهم مرزهای یک ماهیت موجب می‌شود که بی‌گناهیانی مجازات شوند و چه بسیار گناهکارانی به سزای اعمال خود نرسند. حقوق جزا وظیفه سامان بخشیدن به ماهیت‌های مرتبط را بر عهده دارد و کسانی که در این علم تفحص و تحقیق می‌کنند باید با تنقیح موضوعات کیفری مجریان احکام را در اجرای صحیح مجازات‌ها یاری نمایند.

۲-۱- تعریف لغوی

مجازات از نظر لغوی شامل: «پاداش دادن به نیکی و عقاب و جزا دادن نسبت به بدیها» می‌شود یعنی از نظر لغت معنی آن عام است (خاموشی، ۱۳۸۵: ۷۸).

در جایی دیگر آمده است: مجازات از ریشه: «جزی- یجزی» و در فرهنگ لغات به معنای مکافات، سزای عمل کسی را دادن، پاداش، کیفر و عذاب آمده است (باهری، ۱۳۱۰: ۱۰۳).
به عبارت دیگر، پاداش نیک و بد، مکافات و جزا، که بدین طریق مشاهده می‌گردد معنای لغوی این دو کلمه از معنا و اصطلاح حقوقی آنها به دور نمی‌باشد و در اصل، جرم همواره یک کنش بوده و مجازات یک واکنش برای دفع متجاوز.

۲-۲- تعریف اصطلاحی

در تعریف حقوقی مجازات، دانشمندان حقوق تعریف نسبتاً مشابهی از آن ارائه کرده اند که به عنوان نمونه می‌توان بیان داشت: «مجازات آزاری است که قاضی به علت ارتکاب جرم و به نشانه نفرت جامعه از عمل مجرمانه و مرتکب آن برای شخصی که مقصر است بر طبق قانون تعیین می‌کند (باهری، همان: ۳۶۶) و یا می‌توان گفت مجازات تحمیل تعمدی رنج یا آسیب به یک متهم یا مجرم واقعی برای تخلفات اخلاقی یا قانونی است. مجازات‌ها که در مسیر تحولات تاریخی، فراز و نشیب‌های زیادی به خود دیده‌اند، بعد از قرن هیجدهم، از حالت وحشیانه و بیرحمانه خود کمی فاصله گرفته و به حالت تعادل نزدیک‌تر شده‌اند. همیشه در طول تاریخ در مورد فلسفه مجازات و چرایی آن بحث و جدل فراوانی وجود داشته است و از این رو مجازات به طبقات و دسته‌های مختلفی تقسیم گردیده است که در جای مناسب در مورد آن توضیح داده خواهد شد (آسیابان طاهری، ۱۳۸۸: ۶).

با توجه به اینکه تعریف مجازات در تعریف جرم می‌باشد، جرم و مجازات در هم آمیخته و مکمل یکدیگرند و در هر عمل مجرمانه‌ای مجازات وجود دارد. با ملاحظه تاریخ حقوق می‌توان دریافت در هر عصری نوع مجازات بنا به اقتضاء زمان همواره از شدت و ضعف برخوردار بوده و همانند عمل مجرمانه عواملی از قبیل مذهب، فرهنگ، تاریخ، اجتماع و... در تعیین آن مؤثر بوده است. باتوجه به خصوصیات که در وصف مجازات وجود دارد ضمن اینکه کاملاً بستگی به نوع جرم دارد آخرین مرحله برای مقابله با جرم به عنوان ضمانت اجرا می‌باشد؛ (نک به: محسنی، ۱۳۷۶: ۴۵؛ شامبیاتی، ۱۳۷۸: ۶۹)

به نحوی که در ماده (۲) قانون مجازات اسلامی در تعریف جرم معیار سنجش و شناسایی جرم را در وجود مجازات می‌داند و اگر برای آن فعل یا ترک فعل مجازات تعیین نشده باشد جرم نمی‌باشد و همانطوری که نوع جرایم در جوامع کشورهای مختلف فرق می‌کند نوع مجازات نیز متفاوت می‌باشد. این ماده مقرر می‌دارد: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود».

۲-۳- مجازات قضائی

مجازات قضائی یکی از مهم‌ترین مباحث حقوق جزاء می‌باشد، به نحوی که هنر قاضی کیفری در اعمال این مجازات متبلور می‌گردد. «قلمرو حقوق کیفری یک جزیره کوچک در دریایی از مصلحت اندیشی است.» در بعضی مواقع، بنا به شرایط ارتکاب جرم و یا گذشت شاکی یا مدعی خصوصی یا اظهارات و راهنمایی‌های متهم در مراحل تحقیق و رسیدگی، برای شناسایی شرکا و معاونان جرم یا کشف ابزار و اشیای حاصل از آن، وجود انگیزه شرافتمدانه در ارتکاب جرم مانند رفتار و گفتار تحریک‌آمیز مجنی علیه یا اقرار مؤثر متهم در مراحل تحقیق و دادرسی و یا اقدام و تلاش وی مبتنی بر تخفیف آثار جرم و جبران و ضرر و زیان ناشی از آن و یا وضع خاص و فقدان محکومیت کیفری مؤثر و اوضاع و احوال حاکم بر زندگی فردی یا اجتماعی یا اعلام پشیمانی و ندامت وی از ارتکاب جرم و سایر عوامل دیگر ایجاب می‌نماید که در مجازات قانونی متهم تخفیف داده شود (مه‌دوی، بی‌تا: ۸۹) یا مجازات قانونی وی به مجازات دیگری که مناسب به حال وی می‌باشد تبدیل گردد، که در این صورت دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند کیفیات مخففه قضائی در حدود قانون را بنا به اختیار قضائی که دارد اعمال نموده و مجازات متناسب با وضع متهم را برای وی منظور نماید، یا مجازات وی را برای مدت زمانی محدود که در قانون برای مجرم تعیین پذیرد و بازدارنده پیش‌بینی شده تعلیق نماید؛ که این نوع اعمال مجازات را می‌توان همان مجازات قضائی یا فردی کردن مجازات تلقی نمود. (صانعی، ۱۳۸۲: ۶۷)

رسالت و اهمیت امر قضاء نیز در این مرحله به منصف ظهور می‌رسد و آن وقت است که دیگر نمی‌توان به قاضی صرفاً به عنوان یک مجری خشک قانون نگریست و این قاضی است که باید با یک دید وسیع و روان‌شناسانه به قضایا بنگرد و همواره، مجازات را به عنوان درمان و جرم را به عنوان درد بداند و موارد بسیاری وجود دارد که دو نفر یک نوع جرم را مرتکب می‌شوند ولی بنا به شرایط مذکور نباید یک نوع و یا به یک میزان مجازات شوند. راهکارهای بسیاری در جهت اعمال مجازات قضائی وجود دارد که از مصادیق بارز آن کیفرزدایی قضائی می‌باشد، که ابتدا جهت روشن

شدن قضیه، تعریفی از کیفر زدایی بیان می‌گردد: «کیفرزدایی به عنوان جرم زادی ناقص، گونه‌ای از ابزارهای سیاست جنایی است که تخفیف کیفر تا حذف آن یا پیشنهاد تناوب میان کیفر و یک اقدام غیر کیفری را در قبال پدیده مجرمانه شامل می‌شود. بنابراین، تدابیری است که به محدود کردن مجازات یا حذف آن منجر می‌شوند.» (رضایی نژاد، ۱۳۸۶: ۱۶).

نکته قابل توجهی که در این تعریف وجود دارد، این است که کیفرزدایی به معنای جرم‌زدایی تام نیست؛ چرا که جرم زدایی تام همان زدودن وصف مجرمانه از فعل یا ترک فعلی است که قبلاً مقنن آن را جرم شناخته بود و این اقدام نیز صرفاً در صلاحیت قانونگذار جزایی می‌باشد. از طرفی، آن نوع کیفر زدایی هم که مورد بحث می‌باشد کیفرزدایی قضائی است، نه کیفرزدایی قانونی که این هم در صلاحیت ذاتی مقنن می‌باشد. کیفرزدایی قضائی که در قالب مجازات قضائی اعمال می‌گردد، بدین صورت است که جمیع شرایط جهت تعقیب و مجازات فرد بزهکار فراهم می‌باشد و کیفر عمل مجرمانه نیز معلوم است یا اینکه قبلاً این کیفر تعیین شده و یا در حال اجرا باشد، که در چنین شرایطی قاضی به یکی از طرق قانونگذار اقدام به رفع کیفر و یا تعلیق و یا تخفیف مجازات می‌نماید که به نوعی منجر به زدودن کیفر می‌شود و چون این اعمال توسط قاضی صورت می‌گیرد کیفرزدایی قضائی اطلاق می‌گردد.

مجازات قانونی مبتنی بر اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها می‌باشد، به نحوی که مجازات هر جرمی می‌بایست دقیقاً همان مقدار و نوعی باشد که در قانون برای آن نص صریح وجود دارد، ولیکن قانون به دادگاه و قاضی اختیار داده است با رعایت شرایط و مقررات و وضعیت خاص متهم مجازات‌های قانونی را به اشکال دیگری مانند تعلیق، تخفیف مجازات، آزادی مشروط، تبدیل نماید. این موارد به عنوان مجازات‌های قضایی نامیده می‌شوند (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۶: ۱۶).

۲-۴- معافیت از مجازات

از جمله عوامل مؤثر در تعیین مجازات که متکی به سیاست کیفری قانونگذار است عبارت است از ارفاقی است که مقنن صریحاً در متون جزائی پیش‌بینی می‌کند و باعث معافیت یا تخفیف مجازات می‌شود. پس معافیت از مجازات یکی از نهادهای حقوق کیفری است و آن عبارت از: موجباتی است که از طرف قانونگذار در مورد برخی از جرائم پیش‌بینی می‌شود و باعث از بین رفتن مجازات یا تخفیف آن خواهد شد. موارد معافیت حصری است و بستگی به وخامت و خطرناکی جرم ندارد بلکه بنا به ملاحظات سیاست کیفری قانونگذار، ممکن است باعث معافیت از مجازات یا موجب

تخفیف آن شود. از این معافیت به عنوان معاذیر قانونی نیز یاد می‌شود و قلمرو معاذیر قانونی در قانون مجازات اسلامی محدود به جرائم قابل تعزیر و بازدارنده است (ولیدی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۱۷).

معافیت از مجازات برای جرایم سبک، اختصاص به جرایم تعزیری دارد. طبق قانون، مجازات درجه هفت شامل حبس از ۹۱ روز تا شش ماه، جزای نقدی بیش از ۱۰ میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال، شلاق از ۱۱ تا ۳۰ ضربه یا محرومیت از حقوق اجتماعی تا ۶ ماه می‌شود. مجازات‌های درجه هشت نیز عبارتند از حبس تا سه ماه، جزای نقدی تا ده میلیون ریال یا شلاق تا ده ضربه. مصداق بارز امتیاز مجازات‌های گروه اخیر این است که در صورت احراز جهات تخفیف مجازات، اگر دادگاه پس از احراز مجرم بودن شخص تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب اصلاح می‌شود، در صورت فقدان سابقه کیفری موثر، گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن، می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند.

با توجه به اینکه مجازات تعزیری از چه نوعی باشد، رویکرد قانون فرق می‌کند حتی در مواردی به‌عنوان سختگیری، مرتکب جرم دارای مجازات درجه سنگین از برخی امتیازات و آزادی‌ها محروم شده‌اند. به عنوان مثال در جرایم مستوجب مجازات قانونی شدید، مجازات قابل تعلیق نیست. در برخی موارد هم درج حکم محکومیت در روزنامه برای مجازات مضاعف مجرم اجباری است. از سوی دیگر، معافیت از مجازات در جرایم دارای مجازات قانونی سبک تحت شرایطی پذیرفته شده است. همچنین توبه مجرمان جرایم سبک در برخی از مواقع پذیرفته می‌شود (معاونت حقوقی و امور مجلس)

به‌طور کلی می‌توان نظام درجه بندی مجازات‌ها را به سه دسته مجازات‌های سنگین، متوسط و سبک تقسیم کرد. در قانون جدید عمدتاً قواعد جزایی مختلف بر حسب اینکه مجازات جرم در کدام یک از دسته‌های یادشده قرار گیرد، متفاوت هستند. همچنین از ویژگی‌های این قانون این است که مجازات‌ها طبقه بندی و درجه بندی شده‌اند در حالی که قبلاً فقط حداکثر و حداقل داشتند؛ بر این اساس اکنون مجازات‌ها به هشت درجه تقسیم می‌شوند. همچنین برابر قانون جدید مجازات اسلامی در بخش تخفیف مجازات کاملاً وضع تغییر کرده و نحوه تخفیف و شرایط تخفیف جدیدی ایجاد شده است. ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی جدید به درجات مختلف مجازات پرداخته است؛ مجازات‌های درجه یک حاوی سنگین‌ترین و مجازات درجه هشت حاوی سبک‌ترین میزان کیفر هستند. بنابراین هر چه از درجه مجازات کاسته شود مجازات شدیدتر خواهد بود صدور حکم به مجازات درجه یک بدترین برای یک مجرم تعزیری به شمار می‌رود (روزنامه حمایت، مورخ: ۱۳۹۲/۸/۳۰).

۳- تاریخچه معافیت قضایی از مجازات

در مورد تاریخچه معافیت قضایی از کیفر باید گفت که تاسیس نوینی است که قانونگذار در ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی جدید (۱۳۹۲) به آن پرداخته است. در قانون جدید مجازات اسلامی، قانونگذار در دو مورد از معافیت از کیفر صحبت کرده که یکی از این موارد در ماده ۳۹ و دیگری در ماده ۴۵ این قانون است.

ماده ۳۹ در فصل چهارم قانون مجازات اسلامی جدید تحت عنوان تخفیف مجازات و معافیت از آن و ماده ۴۵ در فصل پنجم تحت عنوان تعویق صدور حکم است. در حقیقت یکی از تفاوت‌های این دو ماده آن است که ماده ۳۹ ناظر به جرایم تعزیری درجه ۷ و درجه ۸ و ماده ۴۵ ناظر به جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ است.

بر اساس ماده ۳۹ این قانون، شرط معافیت قضایی از کیفر این است که دادگاه کیفیات مخففه را احراز کند؛ یعنی ابتدا مجرمیت شخص و سپس کیفیات مخففه را احراز می‌کند و تشخیص می‌دهد که اگر مجازات اجرا نشود، مرتکب اصلاح می‌شود یا نه؟ زیرا یکی از اهداف اعمال مجازات اصلاح مرتکب است.

شایان ذکر است که در مورد معافیت از مجازات در قانونگذاری‌های سابق اشاراتی به این نهاد شده است ولی این اشاره، اشاره به معافیت قانونی از مجازات دارند. در این دوره از قانونگذاری‌ها به طوری که معلوم است هیچ امری عذر قانونی تلقی نمی‌شود و به استناد آن نمی‌توان مرتکب را از مجازات معاف نمود مگر آنکه آن امر صریحاً در قانون بیان شده باشد و اثر آن را هم که معافیت مرتکب جرم از مجازات است قانونگذار مشخصاً معلوم نموده باشد. به‌عنوان مثال ماده ۴۳ قانون مجازات عمومی سابق (۱۳۰۴) ناطق بدین امر بود و مقرر می‌داشت: «هیچ جنایت یا جنحه را نمی‌توان عفو نمود و یا مجازات آن را تخفیف داد مگر در مواردی که قانون آن را قابل عفو دانسته و یا در مجازات آن تخفیفی داده است».

در اینجا لازم است اشاره‌ای به مصادیق قانونی معافیت از مجازات در قانون مجازات عمومی سابق داشته باشیم:

۱- به موجب مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون مجازات مقدمین بر علیه امنیت و استقلال مملکتی مصوب ۲۲ خرداد ۱۳۱۰ کسانی که در ایران به هر اسم و رسم و یا به هر عنوان دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی تشکیل دهند و یا اداره نمایند که مرام یا رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران و یا رویه یا مرام آن اشتراکی است و یا عضو دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی شود که با یکی از مرام

یا رویه‌های مزبور در ایران تشکیل شده باشد و هم چنین ایرانیانی که عضو دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی باشد که مرام‌های فوق الذکر را تعقیب نماید هرچند آن دسته یا جمعیت یا شعبه در خارج ایران تشکیل شده باشد به حبس از ۳ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد. و هرکس به نحوی از انحاء برای جدا کردن قسمتی از ایران با لطمه وارد آوردن به تمامیت یا استقلال آن اقدام نماید محکوم به حبس موید با اعمال شاقه خواهد شد و هرکس خواه با مشارکت خارجی خواه مستقلاً بر ضد مملکت ایران مسلحانه قیام کند محکوم به اعدام می‌شود. به موجب ماده ۴ از همان قانون هرگاه کسی عضو دسته یا جمعیتی باشد که برای ارتکاب یکی از جنایات مذکور در فوق تشکیل شده و قبل از تعقیب از طرف ماموران دولتی قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که داخل جمعیت می‌باشند برای دولت با ماموران دولتی افشا نماید از مجازات معاف خواهد شد. معافیت چنین شخصی از مجازات از نظر سیاست جزایی مفید است زیرا به این وسیله احتمال شناختن مجرمان و کشف کانون‌های توطئه بیشتر می‌رود. ای بسا که ضابطان دادگستری و ماموران کشف جرم بدون اینکه یکی از اعضا چنین جمعیتی اطلاع به آنها بدهند از وجود آن بی‌اطلاع بمانند. نظیر اینگونه معافیت در موارد متعدد ملاحظه می‌شود (ولیدی، ج ۱، ۱۳۷۴: ۲۹۳)

۲- قانون‌گذار جزایی ایران در مواد ۹۴ و ۹۵ جرم بریدن یا تراشیدن طلا یا نقره مسکوک رایج و غیر رایج را به قصد استفاده یا شروع آن توصیف نموده و مجازات مرتکب آن را تعیین نموده است. ولی برای تشویق در کمک به کشف جرائم مزبور در ماده ۹۶ مقرر داشته است: «اشخاصی که مرتکب جرائم مذکور در مواد ۹۴ و ۹۵ بشوند هرگاه قبل از تعقیب مراتب را به دولت اطلاع داده یا بعد از شروع به تعقیب وسایل دستگیری مقصرین را فراهم کند از مجازات معاف خواهند شد» (باهری، ۱۳۸۴: ۴۰۲ و ۴۰۳).

۳- قانون‌گذار ایران همین رویه را در مورد کسانی که مرتکب جعل و تزویر اسناد و نوشتجات و فرمان و احکام و غیره شده‌اند به کار برده است و برطبق ماده ۱۰۱ از قانون مجازات عمومی برای مجرمینی که قبل از تعقیب به دولت اطلاع دهند و سایر مرتکبین را معرفی کنند و یا بعد از تعقیب وسایل دستگیری آن‌ها را فراهم نمایند معافیت قائل شده است.

۴- قانون مجازات عمومی ایران اقدام برای خلاصی مجرم - به فرض اطلاع از وقوع جنایت یا جنبه - از محاکمه و محکومیت و تهیه منزل برای مجرم و هم چنین اخفا دلایل جرم و یا ابزار دلایل جعلی برای تبرئه مجرم را جرم و قابل مجازات شناخته است. ولی به موجب قسمت اخیر ماده ۱۲۴ قانون مجازات عمومی هرگاه مرتکبین زوج و زوجه. هرچند مطلقه پدر و مادر و اجداد، اولاد و احفاد. برادران و خواهران و یا اشخاصی باشند که با مجرمین قرابت نسبی یا سببی تا درجه

سوم دارند از مجازات معافند. قانونگذار در قبول معافیت برای این قبیل اشخاص محبت و علاقه‌ی موجود فیما بین مجرم و کسان وی را که برای نجات او تلاش نموده‌اند در نظر گرفته است. معافیت‌های ناشی از معاذیر قانونی به خود لازم‌الرعایه است و قاضی به محض این که با آن‌ها مواجه شود ناچار از صدور حکم بر معافیت مرتکب جرم از مجازات می‌باشد. مواردی که در فوق به آن‌ها اشاره شد واجد همین خصوصیت است (شیری، ۱۳۷۲: ۹۴).

در قانونگذاری ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ هم قانونگذار اشاره‌ای به معافیت قضایی از مجازات نکرده است، موارد معافیتی هم که در این دوره از قانونگذاری وجود دارد همانند قانونگذاری ۱۳۰۴ مربوط است به معافیت قانونی از مجازات. در زیر اشاره‌ای به برخی از مصادیق معافیت قانونی در این دوره از قانونگذاری می‌کنیم:

- ۱- معافیت مرتکب بواسطه توبه قبل از اداء شهادت مواد. ۸۱-۱۲۵ و ۱۸۴ قانون مجازات اسلامی.
- ۲- معافیت سارق بواسطه توبه قبل از ثبوت جرم. بند ۵ ماده ۲۰۰ قانون مجازات اسلامی.
- ۳- سقوط حد با تسلیم مال به مسروق منه بواسطه توبه. نظریه مورخ ۱۳۷۲/۴/۲۴ فقهای شورای نگهبان در باره‌ی تبصره ۴ ماده ۱۹۸ مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۴۰۸۹ مورخ ۱۳۷۲/۵/۳.
- ۴- معافیت غیر مسلمان در شرب خمر (ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی). ۵- معافیت از کیفر بواسطه اطلاع قبل از تعقیب در جرم جعل. ماده ۵۳۱ قانون مجازات اسلامی. ۶- معافیت از مجازات در جرم ربا. تبصره ۳ ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی (اردبیلی، ۱۳۷۸: ۱۰۵).

۴- قلمرو معافیت قضایی از مجازات

معافیت قضایی از مجازات برای جرایم سبک اختصاص به جرایم تعزیری دارد. طبق قانون، مجازات درجه شش شامل حبس بیش از شش ماه تا دو سال جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال شلاق ازسی‌ویک تا هفتادوچهار ضربه و تا نودونه ضربه در جرائم منافی عفت محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال، مجازات درجه هفت شامل حبس از ۹۱ روز تا شش ماه، جزای نقدی

^۱ این نظریه مقرر می‌دارد: «هرگاه سارق پس از سرقت پشیمان شده و توبه نماید و از این جهت پیش از آنکه مسروق منه شکایت کند به اختیار خود مال را تحت ید مالک قرار دهد حد ساقط می‌شود. و سقوط حد به مجرد تسلیم مال به مالک خلاف موازین شرعی می‌باشد».

بیش از ۱۰ میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال، شلاق از ۱۱ تا ۳۰ ضربه یا محرومیت از حقوق اجتماعی تا ۶ ماه می‌شود. مجازات‌های درجه هشت نیز عبارتند از حبس تا سه ماه، جزای نقدی تا ده میلیون ریال یا شلاق تا ده ضربه.

یک مثال بارز از مزایای مجازات‌های گروه اخیر این است که در صورت تخفیف مجازات، اگر دادگاه پس از محکوم شدن فرد مقصر را تشخیص دهد، در صورت عدم اجرای مجازات موثر، وی با عدم اجرای مجازات نیز اصلاح خواهد شد. ثبت، شاکی مورد عفو و جبران خسارت قرار خواهد گرفت. ضرر و زیان یا ایجاد ترتیبات جبران خسارت می‌تواند منجر به صدور حکم عدم مجازات شود. بسته به نوع مجازات، رویکرد قانون متفاوت است. حتی در مواردی مانند سختگیری، مرتکبان جرمی با مجازات شدید از برخی امتیازات و آزادی محروم هستند. به عنوان مثال، در جرایمی که مجازات شدید قانونی دارند، مجازات نمی‌تواند تعلیق شود. در برخی موارد، انتشار مجازات در روزنامه برای مجازات مضاعف مجرم اجباری است. از طرف دیگر، مجازات معافیت از مجازات تحت جرائم مجازات ناپذیر تحت شرایط خاص پذیرفته می‌شود. همچنین، توبه مرتکبان جرایم سبک نیز گاهی پذیرفته می‌شود (معاونت حقوقی و امور مجلس، ۱۳۹۴).

به طور کلی می‌توان نظام درجه‌بندی مجازات‌ها را به سه دسته مجازات‌های سنگین، متوسط و سبک تقسیم کرد. در قانون جدید عمدتاً قواعد جزایی مختلف بر حسب اینکه مجازات جرم در کدام یک از دسته‌های یادشده قرار گیرد، متفاوت هستند. همچنین از ویژگی‌های این قانون این است که مجازات‌ها طبقه‌بندی و درجه‌بندی شده‌اند در حالی که قبلاً فقط حداکثر و حداقل داشتند؛ بر این اساس اکنون مجازات‌ها به هشت درجه تقسیم می‌شوند. همچنین برابر قانون جدید مجازات اسلامی در بخش تخفیف مجازات کاملاً وضع تغییر کرده و نحوه تخفیف و شرایط تخفیف جدیدی ایجاد شده است. ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی جدید به درجات مختلف مجازات پرداخته است؛ مجازات‌های درجه یک حاوی سنگین‌ترین و مجازات درجه هشت حاوی سبک‌ترین میزان کیفر هستند. بنابراین هر چه از درجه مجازات کاسته شود مجازات شدیدتر خواهد بود صدور حکم به مجازات درجه یک بدترین برای یک مجرم تعزیری به شمار می‌رود (روزنامه حمایت-۱۳۹۲/۸/۳۰).

۵- قواعد ناظر به جرم و معافیت از مجازات

وقتی قاضی دادگاه رفتار سرزنش‌آمیز را با قواعد عمومی تحقق جرم منطبق ببیند موظف به صدور حکم محکومیت کیفری است. در شایع‌ترین فرض، یعنی زمانی که میزان مجازات بین حداقل و حداکثر در نوسان است، دادگاه ناگزیر به انتخاب مجازات در محدوده‌ی قانونی است. در انتخاب

میزان مجازات دادگاه بنا بر اصول، چند نکته را مد نظر خواهد داشت؛ نخست، شدت اختلال ناشی از ارتکاب جرم. دوم، شخصیت بزهکار تا در زمانی کوتاه سازگاری اجتماعی دوباره ی او را فراهم کند. اصل مهمی که مبنای قضاوت درست دادگاه در این زمینه است فردی کردن مجازات یعنی انطباق مجازات با وضع و حال یکایک بزهکاران است. در صدور حکم اقدامات تأمینی و تربیتی اهمیت این اصل به مراتب آشکار تر است (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۳۲).

۵-۱- عذرهای معاف کننده از مجازات

سبب‌های معافیت از مجازات متعدّدند، لیکن مبنای واحدی ندارند. این سببها به طور حصری در قانون مجازات اسلامی احصاء شده‌اند و هر جا تاثیر بگذارند مانع از اجرای مجازات می‌شوند که از این لحاظ شباهت بسیار زیادی با معافیت (قضایی و قانونی) از مجازات دارند. این گونه معاذیر به هیچ وجه بستگی به درجه وخامت عمل مجرمانه ندارد بنا به ملاحظات سیاست جزایی بعضی امور که مقارن با ارتکاب بعضی از جرائم است معاذیر قانونی و موجب معافیت مرتکب از مجازات به شمار آمده است. به همین جهت یک دستور کلی در این زمینه وجود ندارد که مربوط به همگی جرائم باشد بلکه در مورد هر یک از جرائم کیفیات خاص بنا به ملاحظات سیاست جزایی به عنوان معاذیر معاف کننده از مجازات به شمار آمده است (باهری، ۱۳۸۴: ۲۰۳).

۵-۱-۱- عذر همکاری

همکار کسی است که عضو دسته یا جمعیتی از بزه کاران بوده و خود در ارتکاب جرم یا طرح آن مشارکت یا معاونت داشته است ولی به دلیل هم کاری با مأموران کشف جرم و دادن اظهارات درباره هویت و مقاصد سایر بزه کاران، معاف از مجازات شناخته شده است (حبیبی، بی‌تا: ۲۳).

برای مثال ماده ۵۰۷ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) مقرر می‌دارد: «هرکس داخل دسته جات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می‌کنند بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند به مامورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب با مامورین دولتی همکاری موثر به عمل آورد از مجازات معاف و در صورتی که شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد فقط به مجازات آن محکوم خواهد شد».

همچنین ماده ۴ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح (مصوب بهمن ۱۳۵۰ با اصلاحات بعدی) نیز همین سیاست را در قبلاً قاچاقچیان به کار برده و مقرر می‌دارد:

«در جرائم مربوط به این قانون هرگاه بیش از یک نفر مداخله داشته و قبل از کشف قضیه یکی از متهمین مأمورین تعقیب را از وقوع جرم مسبوق نموده و یا ضمن تعقیب به واسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم نماید و یا مأمورین دولت را به نحو مؤثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کند دادگاه می‌تواند او را از مجازات معاف نماید».

۵-۱-۲- عذر ندامت

نادم کسی است که از کرده خویش پشیمان شده و از ادامه جرم باز ایستاده است. برای چنین شخصی، در حقوق وعده معافیت از مجازات به او داده است (اردبیلی، همان: ۱۳۴).
برای مثال در ماده ۵ قانون مجازات اخلاص کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تاسیسات هواپیمایی مصوب ۱۳۴۹ آمده است: «هریک از مرتکبین جرایم مذکور [جرایم هواپیما ربایی] در این قانون قبل از اتمام عمل خود نادم گردد و از ادامه آن خودداری کند از تعقیب و مجازات معاف خواهد بود مگر آنکه ضمن اقدامات خلاف قانون مرتکب جرایم دیگری شده باشد که در این صورت فقط به مجازات همان جرایم محکوم می‌شود».

۵-۱-۳- عذر اطاعت از مافوق

اطاعت از مافوق اگر بنا بر تکلیف باشد مأمور را گاه از آثار مجرمانه عمل، معاف می‌دارد. برای مثال می‌توان به ماده ۵۸۰ ق.م.ا اشاره نمود.
در این ماده آمده است: «هریک از مستخدمین و مأمورین قضایی و یا غیر قضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب خانه داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد، مگر اینکه ثابت نماید به امر یکی از روسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری شده نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شده باشد مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد».

۵-۱-۴- عذر توبه

تائب به کسی گویند که از گناه بازگردد و از آن چه مرتکب شده اظهار توبه و پشیمانی کند. توبه از بنیادهای حقوق جزای اسلامی است. توبه هنگامی عذر محسوب می‌گردد که پیش از ثبوت جرم

و یا دستگیری متهم باشد. مانند موارد که زن یا مرد زانی قبل از اقامه شهادت توبه نماید، حد از او ساقط میشود. و یا در مورد سرقت حدی در صورتی حد سرقت جاری می‌شود که سارق قبل از ثبوت جرم از این گناه توبه نکرده باشد (صدر، ۱۳۸۹: ۷۷ و ذوالعین، ۱۳۸۹: ۳۲۸).

توبه پس از اقرار یا اقامه ی شهادت تابع احکام دیگری است که هر چند در مورد اقرار ممکن است مسقط مجازات باشد، لیکن به عنوان عذر معاف کننده پذیرفته نیست. بنابراین، اگر برای مثال، سارق قبل از اثبات جرم از این گناه توبه کند حد بر او جاری نمی‌شود (ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) حتی بعید است مجازات دیگری او را تهدید کند، مشروط بر اینکه مال را به هر طریق به صاحب آن مسترد کرده باشد.

۵-۱-۵- عذر تحریک

تحریک به معنای برانگیختن انسان به ارتکاب جرم است که گاه عذر محسوب و مانع اجرای مجازات می‌شود. اصولاً در حالت برانگیختگی و فقدان کنترل بر رفتار، قصد از بین نمی‌رود و سوء نیت عام و خاص هر دو وجود دارد، قوه تعقل و تشخیص نیز- جز در موارد استثنائی که شدت تحریک به اندازه‌ای است که فرد را به مرز جنون می‌رساند- به حال خود باقیست. اما انگیزش قلمروی است که در آن اراده آزاد فرد و قدرت او در کنترل رفتار محدود شده و در نتیجه عنصر انتخاب مخدوش می‌گردد و همین امر موجب خدشه‌دار شدن مسئولیت کیفری می‌شود (پاک نهاد، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

برخی ملاک عذر تحریک را زوال قوه کنترل رفتار در نتیجه برانگیختگی ناشی از تحریک می‌دانند. در این بیان تحریک در قلمرو اجبار معنوی درونی قرار می‌گیرد. همان‌گونه که می‌دانیم دیدگاه سنتی موجود اجبار معنوی درونی را رافع مسئولیت کیفری نمی‌داند. بنابراین عقیده، انگیزه ارتکاب جرم معمولاً میل به تسکین غرایز و منفعت‌طلبی است و منافع اجتماعی و حفظ نظم عمومی اقتضا دارد شهروندان یاد بگیرند چگونه بر خشم، هیجان و سایر غرایز خود فائق آیند و قانون جزا نیز برای کنترل همین امیال و احساسات وضع شده است (گلدوزیان، ۱۳۷۸: ۲۹۱) بنابراین از دست دادن کنترل رفتار نمی‌تواند ارتکاب جرم را توجیه کرده یا مسئولیت مرتکب را به صورت نسبی یا مطلق از بین ببرد زیرا این امر ناشی از قصور خود فرد بوده است.

نمونه بارز عذر برانگیختگی ماده ۶۳۰ ق.م.ا (تعزیرات) است. به موجب این ماده «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل

برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است». مبنای معافیت مذکور از لحاظ شخصی همان هیجان آنی و پریشانی روانی مرد از مشاهده صحنه واقعه است (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۳۵).

۵-۱-۶- آثار عذرهای معاف کننده

معافیت از مجازات وقتی دلیل عذر در دادگاه اقامه شود قاضی را به پذیرش مجبور می‌کند. در این حال حکم دادگاه نه بر براءت بزهکار بلکه بر بخشودگی یا معذوریت او دلالت دارد. اثر عذرهای معاف کننده یکسان نیست. یعنی درست است که عذر سبب امحاء مجازات می‌گردد، لیکن قاضی می‌تواند اگر اوضاع و احوال وقوع جرم و یا حالت خطرناک بزهکار ایجاب کرد در مواردی به صدور حکم اقدام تامینی دست بزند. برای مثال، حکم به اقامت اجباری مفسد نادم پس از اثبات تقصیر و ثبوت جرم او بی‌اشکال است، مشروط بر آنکه با توجه به رفتار او حالتی خطرناک مشهود باشد. ولی در مواردی دیگر نظیر وضع مامور معذور قاضی ممکن است کمتر مناسبتی برای صدور حکم اقدام تامینی بیابد (صدر، ۱۳۸۹: ۷۹).

۵-۲- عذرهای تخفیف دهنده مجازات

عذرهای تخفیف دهنده قانونی منحصر و محدود به جرایمی است که در قانون پیش‌بینی شده است. تخفیف مجازات از میزان تقصیر و مسؤولیت بزه کار هیچگاه نمی‌کاهد، بلکه این تخفیف پاداش مساعدت بزه کار در کشف جرم و یا جبران کوشش بزه کار در ترمیم آثار زیانبار و صدمات احتمالی ناشی از جرم است، گاه قانون گذار به لحاظ عواطف و احساسات مهرآمیز بزهکار در ارتکاب جرم او را معذور و مستحق تخفیف می‌شناسد. (حبیبی، بی‌تا: ۴۷)

تخفیف مجازات هرگز میزان تقصیر و مسؤولیت مجرم را کاهش نمی‌دهد، اما این تخفیف پاداش کمک مجرم در کشف جرم یا جبران تلاش مجرم در ترمیم آثار مضر و آسیب‌های احتمالی ناشی از جرم است. گاهی قانونگذار از نظر عواطف و احساسات مهرآمیز بزهکار در ارتکاب جرم او را معذور و مستحق تخفیف می‌شناسد. همه‌ی جهات مذکور و موجباتی که احصاء آنها چندان هم آسان نیست در تقلیل میزان مجازات موثرند و هریک مصلحتی را تامین می‌کنند. در ادامه به شرح برخی از این موارد می‌پردازیم:

۵-۲-۱- عذر همکاری

به موجب ماده ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): «هرگاه اشخاصی که مرتکب جرایم مذکور در مواد ۵۱۸ تا ۵۲۰ می‌شوند قبل از کشف قضیه، مأمورین تعقیب را از ارتکاب جرم مطلع نمایند و یا در ضمن تعقیب بواسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورند یا مأمورین دولت را به نحو موثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کنند بنا به پیشنهاد رئیس حوزه ی قضایی مربوط و موافقت دادگاه و یا با تشخیص دادگاه در مجازات آنان تخفیف مناسب داده می‌شود و حسب مورد از مجازات حبس معاف می‌شوند، مگر آنکه احراز شود قبل از دستگیری توبه کرده اند که در این صورت از کلیه مجازات‌های مذکور معاف خواهند شد».

همچنین ماده ۵۳۱ در باب جرایم جعل و تزویر در اسناد و نوشتجات مقرر می‌دارد: «اشخاصی که مرتکب جرایم مذکور در مواد قبل شده اند هرگاه قبل از تعقیب به دولت اطلاع دهند و سایر مرتکبین را در صورت بودن معرفی کنند یا بعد از تعقیب، وسایل دست‌گیری آنها را فراهم نمایند حسب مورد در مجازات آنان تخفیف داده می‌شود و یا از مجازات معاف خواهند شد».

۵-۲-۲- عذر ترک جرم

قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، برای جرم بازداشت یا حبس غیر قانونی اشخاص، مجازات حبس (یک تا سه سال) یا جزای نقدی (شش تا هیجده میلیون ریال) مقرر کرده است (ماده ۵۸۳)^۱. لیکن در ماده ۵۸۵ همین قانون قول تخفیف مجازات به مرتکبانی که جرم را ترک کنند به این شرح داده است: «اگر مرتکب یا معاون قبل از آنکه تعقیب شود شخص توقیف شده را رها کند یا اقدامات لازم جهت رها شدن وی بعمل آورد در صورتی که شخص مزبور را زیاده از پنج روز توقیف نکرده باشد مجازات او حبس از دو تا شش ماه خواهد بود» (محسنی، ۱۳۷۶: ۱۱۳).

۵-۲-۳- عذر خانوادگی

در تبصره ذیل ماده ۵۵۴ ق.م.ا. آمده است: «در موارد مذکور در ماده ۵۵۳ و این ماده (اخفاء متهمان و مساعدت در فرار و خلاص آنها از چنگال عدالت) در صورتی که مرتکب از اقارب درجه اول متهم

^۱ این ماده مقرر می‌دارد: «هرکس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیت‌دار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس نماید یا عنفاً در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هیجده میلیون ریال محکوم خواهد شد».

باشد مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده بیشتر نخواهد بود» (پاک نهاد، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

۵-۲-۴- عذر اعانت

طبق تبصره ۲ ماده ۷۱۹ ق.م.ا: «هرگاه راننده (متخلف) مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفیف را درباره او رعایت خواهد نمود».

۶- مبانی و شرایط معافیت قضایی از مجازات در حقوق کیفری

یکی از نوآوری‌های قانون جدید مجازات اسلامی در موضوع تخفیف، بحث معافیت از مجازات در جرائم تعزیری درجه هفتم^۱ و هشتم^۲ مندرج در ماده ۱۹، ماده ۳۹ قانون می‌باشد. به موجب ماده ۳۹: «در جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت، در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری موثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند»، با توجه به این ماده حکم معافیت هر چند در ماده ۷۲۷ قانون سال ۱۳۷۰، به صرف نظر کردن از مجازات در صورت گذشت شاکی خصوصی اشاره کرده بود در زمینه تخفیف از ابداعات قانون جدید است در حقیقت این ماده نوعی توجه به موقعیت داشتن تعقیب در قانون فرانسه است الا این که موقعیت داشتن تعقیب در حقوق فرانسه زمانی است که دادستان دستور بایگانی پرونده را در شرایط خاص فعل ارتكابی صادر می‌کند.

در این ارتباط ماده ۱-۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، مقرر میدارد، در صورتی که متهم شناسایی شده، دارای محل اقامت معین باشد و هیچ گونه مانعی برای ادامه تعقیب نباشد؛ دادستان

^۱ ماده ۱۹- مجازات‌های تعزیری به هشت درجه تقسیم می‌شود: درجه ۱ ... درجه ۷:

- حبس از نود و یک روز تا شش ماه

- جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

- شلاق از یازده تا سی ضربه

- محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه

^۲ ماده ۱۹- مجازات‌های تعزیری به هشت درجه تقسیم می‌شود: درجه ۱ ... درجه ۸:

- حبس تا سه ماه

- جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

- شلاق تا ده ضربه

محل می‌تواند به شرطی که نحوه عمل متهم توجیه پذیر باشد، پرونده را بایگانی کند، (تدین، ۱۳۹۳: ۲۹۶) با توجه به این ماده، تفاوت آشکار است.

در حقوق ایران، دادگاه و نه دادستان حق دارد که در صورت وجود شرایط منعکس در ماده یعنی تشخیص اصلاح مرتکب در صورتی که اقتضا کند. عدم مجازات، گذشت شاکی خصوصی، فقدان سابقه کیفری موثر، جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیب جبران آن، حکم به معافیت از کیفر صادر کند. چنین اختیاری به صورت تعلیق تعقیب که سابقه آن در ماده ۴۰ مکرر قانون آیین دادرسی ۱۲۹۰ اصلاحی ۱۳۵۲ و ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری در مورد جرائم جنحه ای، وجود داشت؛ در لایحه قانونی آیین دادرسی کیفری مصوب فروردین ماه ۱۳۹۳ به دادستان داده شده است. به موجب ماده ۸۱ این قانون: «در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت موثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند».

در اینجا قانونگذار دست قاضی را برای بازگشت مجرم به جامعه و تخفیف مجازات او، فقط در جرایم کم‌اهمیت یعنی در جرایم درجه ۷ و ۸ بازتر گذاشته و تعیین کرده است که در صورت احراز شرایط توسط قاضی مانند احراز اصلاح‌پذیر بودن فرد و بار بودن جهات تخفیف بر او و نیز جبران ضرر و زیان شاکی، وی می‌تواند فرد مرتکب را از کیفر معاف کند؛ زیرا با این شرایط چه لزومی دارد فردی که در سنین جوانی است تا ۳ ماه زندانی شود؟

عفو، در مورد فرد محکوم است؛ اما در معافیت از کیفر کسی محکوم نشده است که حال بخواهد مورد عفو قرار گیرد، بلکه فقط مجرمیت را احراز کردیم؛ چه بسا ممکن است قاضی متهمی را محکوم کند اما دادگاه بالاتر او را تبرئه و مجرمیت او را احراز نکند.

۶-۱- منشأ قانونی معافیت قضایی از مجازات

همانطور که در تاریخچه معافیت از مجازات بیان کردیم، این نهاد (معافیت قضایی از مجازات) در قانونگذاری‌های سابق (۱۳۰۴ و ۱۳۷۵) وجود نداشت. و در قانونگذاری اخیر در سال ۱۳۹۲ این نهاد وارد قانون مجازات اسلامی شد. قانونگذار در این قانون در فصل چهارم از بخش دوم از کتاب اول در ماده ۳۹ و در فصل پنجم از بخش دوم از کتاب اول در ماده ۴۵ صراحتاً این نهاد تازه تاسیس را برای اولین بار وارد قلمرو حقوق جزا کرد.

۶-۱-۱- بررسی مواد قانونی مربوطه

مواد ۳۹ و ۴۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مبین نهاد معافیت قضایی از مجازات هستند. در ادامه به شرح و تفسیر این مواد می‌پردازیم.

الف- ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

ماده ۳۹- در جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند.

این ماده مبین نهاد معافیت قضایی از مجازات می‌باشد. که شرایطی را برای معافیت در نظر گرفته است از جمله: الف- جرم باید از جرایم تعزیری باشد. ب- جرم تعزیری باید از جرایم درجه هفت و هشت باشد. پ- جهات مخففه مذکور در ماده ۳۷ محقق گردد. ت- تشخیص دادگاه بر اصلاح مجرم باشد. ث- مرتکب فاقد سابقه کیفری مؤثر باشد. ج- شاکی گذشت کرده باشد. چ- مرتکب ضرر و زیان وارد بر زیان دیده را جبران یا ترتیبات جبران آن را مقرر نماید. لازم به ذکر است که حکم این ماده طبق تبصره ۲ ماده ۱۱۵ این قانون^۲ شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود (بخشی زاده اهری، ۱۳۹۲: ۴۸).

شایان ذکر است که در این ماده حکم محکومیت صادر می‌شود؛ زیرا اگر حکمی مبنی بر محکومیت صادر نشود، مجازاتی تعیین نخواهد شد که دادگاه بخواهد حکم به معافیت از کیفر

۱. ماده ۳۷: «در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند:

الف- تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه

ب- تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار

پ- تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال

ت- تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر».

۲. ماده ۱۱۵: «در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود. در سایر جرائم موجب تعزیر دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.

تبصره ۱- مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد.

تبصره ۲- اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۸) و مواد (۲۷)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۵)، (۴۶)، (۹۳)، (۹۴) و (۱۰۵) این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود».

بدهد؛ بنابراین ابتدا یک نوع کیفر تعیین می‌شود و سپس دادگاه حکم معافیت از کیفر صادر می‌کند. بنابراین اساساً در ماده ۳۹ موضوع قطعیت حکم مطرح نیست؛ زیرا مربوط به مرحله بدوی است و دادگاه بدوی در حال تصمیم‌گیری است. بر اساس ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی جدید نیز زمانی که دادگاه تصمیم‌گیری می‌کند، اساساً مجازاتی تعیین نمی‌کند، بلکه صدور حکم را به تعویق می‌اندازد.

ماده ۴۰ نیز این مطلب را تصریح می‌کند که در صورت وجود شرایط ذیل دادگاه صدور حکم را به مدت ۶ ماه تا ۲ سال به تعویق می‌اندازد یعنی در پایان مدت تعویق است که دادگاه در مورد سرنوشت شخص متهم به ارتکاب جرم تصمیم می‌گیرد که آیا مجازاتی برایش تعیین کند یا حکم به معافیت از کیفر دهد؟ زیرا در ماده ۴۵ که ناظر به ماده ۴۰ است دادگاه باید مجرمیت شخص را احراز کند؛ یعنی تعویق صدور حکم ناظر به شخصی است که از نظر دادگاه مجرم محسوب می‌شود.

ب- ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

ماده ۴۵- پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پابندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند. در خصوص این ماده سه مورد برای تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت در نظر گرفته می‌شود: نخست: میزان پای‌بندی مرتکب به اجراء دستورات دادگاه؛ دوم: گزارش‌های مددکار اجتماعی؛ سوم: ملاحظه وضعیت مرتکب.

شایان ذکر است که در تفسیر این ماده باید بین «برائت» و «معافیت از کیفر» تفاوت قائل شد. تفاوتی که بین حکم برائت و معافیت از مجازات وجود دارد، این است که در برائت، فرد اصلاً مرتکب جرمی نشده و ابتدا به ساکن و بدون هیچ شرایطی در مورد وی حکم برائت صادر می‌شود. این در حالی است که حکم معافیت از مجازات، در صورتی است که فرد مرتکب جرم شده و مجرمیت او نیز ثابت شده است اما با توجه به دلایل قضایی، مجازات در مورد وی اجرا نخواهد شد. حال سوال این است که با این تفاسیر چه تفاوتی بین معافیت از مجازات و معاذیر قانونی معاف‌کننده از مجازات وجود دارد؟ شاید بتوان این مورد را به این شکل توجیه کرد که در معاذیر قانونی، دادگاه ملزم به صدور حکم معافیت از مجازات است و برای اجرای این حکم، نیازی به رعایت شرط خاصی نیست. اما در صدور حکم معافیت از مجازات در نتیجه قرار تعویق صدور حکم، دادگاه الزامی به صدور حکم معافیت نداشته و با توجه به میزان پابندی مرتکب به اجرای دستورات دادگاه، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، حسب مورد به تعیین کیفر یا

صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند. (نک به: اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۲۵) دادگاه نمی‌تواند قرار تعویق صدور حکم را به صورت غیابی صادر کند اما می‌تواند در مورد قرار تعویق صدور حکم، تأمین مناسب اخذ کند. نکته مهم این است که اخذ تأمین نباید به بازداشت مرتکب منتهی شود.

۶-۱-۲- هدف از ایجاد نهاد معافیت قضایی از مجازات

بر اساس ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مجازات درجه ۷ عبارت از حبس از ۹۱ روز تا ۶ ماه، جزای نقدی بیش از ۱۰ میلیون تا ۲۰ میلیون ریال، شلاق از ۱۱ تا ۳۰ ضربه و محرومیت از حقوق اجتماعی تا ۶ ماه است. همچنین مجازات درجه ۸ که یک درجه خفیف‌تر است شامل حبس تا ۳ ماه، جزای نقدی تا ۱۰ میلیون ریال و شلاق تا ۱۰ ضربه تعیین شده است. مجازات‌های درجه ۷ و ۸ و به خصوص مجازات درجه ۸ از جرایمی هستند که بر اساس قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت، زمانی که حکم مجازات مقرر قانونی حبس تا ۳ ماه باشد دادگاه مکلف به تبدیل آن مجازات به جزای نقدی است؛ همچنین مجازات‌های درجه ۷ و ۸، مجازات‌های حاد و مربوط به جرایم شدیدی نیست که توسط مجرم در جامعه صورت گرفته باشد. قانونگذار نسبت به این قبیل جرایم بیشتر تلاش در بازپروری و اصلاح مجرم دارد تا مجازات و تعزیر او.

موضوعی که در ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی به عنوان حکم معافیت از کیفر تبیین شده است و بعضی از حقوقدانان یا فقها آن را برخلاف قانون اساسی و برخلاف شرع می‌دانند، بر این مبنا استوار است که قانونگذار گفته است در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ در صورت ایجاد شرایطی نظیر جهات تخفیف از قبیل تشخیص اینکه با اجرا نشدن مجازات، مرتکب اصلاح شود، فقد سابقه کیفری موثر، گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان، دادگاه پس از احراز مجرمیت، حکم به معافیت از کیفر می‌دهد. یعنی دادگاه در این مقطع کسی را مشمول عفو قرار نداده است؛ چون بر اساس مواد ۹۶ تا ۹۸ همین قانون و همچنین بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی عفو یا تخفیف مجازات محکومان در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رییس قوه قضاییه با مقام معظم رهبری است. آنچه در ماده ۳۹ به وضوح بیان شده، این است که فرد به طور قطعی محکوم به کیفر نشده است تا تداخل با اصل ۱۱۰ قانون اساسی یا مواد ۹۶، ۹۷ و ۹۸ قانون مجازات اسلامی پیدا کند، بلکه دادگاه صرفاً با احراز مجرمیت متهم، او را از جهات تخفیف محروم نکرده و حکمی که صادر می‌کند، او را از مجازات معاف می‌کند (روزنامه حمایت - چهارشنبه مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۶).

۶-۲- بررسی شرایط اعمال معافیت قضایی از مجازات

قانونگذار شرایطی را برای معافیت از مجازات در مواد ۳۹ و ۴۵ در نظر گرفته است که شرایط مندرج در مواد ۳۹ و ۴۵ قانون مجازات اسلامی ۹۲ را شرح می‌دهیم.

۶-۲-۱- جرم ارتكابی از جرایم درجه ۷ و ۸ باشد

معافیت از کیفر موضوعی است که قانونگذار در قانون مجازات اسلامی به آن پرداخته است. قانونگذار با ایجاد این تاسیس، دست قاضی را برای بازگشت مجرم به جامعه و تخفیف مجازات او، البته فقط در جرایم کم‌اهمیت یعنی در جرایم درجه ۷ و ۸ بازتر گذاشته و تعیین کرده است که در صورت احراز شرایط توسط قاضی مانند احراز اصلاح‌پذیر بودن فرد و بار شدن جهات تخفیف بر او و نیز جبران ضرر و زیان شاکی، وی می‌تواند فرد مرتکب را از کیفر معاف کند. مطابق آنچه که در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ آمده است مجازات‌های تعزیری درجه هفت عبارتند از: حبس از نود و یک روز تا شش ماه، جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال، شلاق از یازده تا سی ضربه و محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه. همچنین در این ماده به مجازات‌های تعزیری درجه هشت نیز اشاره شده است که عبارتند از: حبس تا سه ماه، جزای نقدی تا ده میلیون ریال و شلاق تا ده ضربه.

در جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری موثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند. بنابراین قانونگذار در قانون مجازات اسلامی در مواد ۳۹ و ۴۵ سخن از معافیت از کیفر به میان آورده است. ناگفته نماند که یکی از تفاوت‌های این دو ماده آن است که ماده ۳۹ ناظر به جرایم تعزیری درجه ۷ و درجه ۸ و ماده ۴۵ ناظر به جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ است. بر اساس ماده ۳۹ این قانون، شرط معافیت از کیفر این است که دادگاه کیفیات مخففه را احراز کند.

۶-۲-۲- تشخیص دادگاه بر بازپروری و اصلاح مجرم

بر اساس ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی جدید، مجازات درجه ۷ عبارت از حبس از ۹۱ روز تا ۶ ماه، جزای نقدی بیش از ۱۰ میلیون تا ۲۰ میلیون ریال، شلاق از ۱۱ تا ۳۰ ضربه و محرومیت از حقوق اجتماعی تا ۶ ماه است. همچنین مجازات درجه ۸ که یک درجه خفیف‌تر است شامل حبس تا ۳ ماه، جزای نقدی تا ۱۰ میلیون ریال و شلاق تا ۱۰ ضربه تعیین شده است. مجازات‌های درجه

۷ و ۸ و به خصوص مجازات درجه ۸ از جرایمی هستند که بر اساس قانون نحوه وصول برخی از درآمد‌های دولت، زمانی که حکم مجازات مقرر قانونی حبس تا ۳ ماه باشد دادگاه مکلف به تبدیل آن مجازات به جزای نقدی است؛ همچنین مجازات‌های درجه ۷ و ۸، مجازات‌های حاد و مربوط به جرایم شدیدی نیست که توسط مجرم در جامعه صورت گرفته باشد. قانونگذار نسبت به این قبیل جرایم بیشتر تلاش در بازپروری و اصلاح مجرم دارد تا مجازات و تعزیر او.

موضوعی که در ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی اخیر به عنوان حکم معافیت از کیفر تبیین شده است و بعضی از حقوقدانان یا فقها آن را برخلاف قانون اساسی و برخلاف شرع می‌دانند، بر این مینا استوار است که قانونگذار مقرر نموده است در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ در صورت ایجاد شرایطی نظیر جهات تخفیف از قبیل تشخیص اینکه با اجرائشدن مجازات، مرتکب اصلاح شود، فاقد سابقه کیفری موثر، گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان، دادگاه پس از احراز مجرمیت، حکم به معافیت از کیفر می‌دهد. یعنی دادگاه در این مقطع کسی را مشمول عفو قرار نداده است؛ چون بر اساس مواد ۹۶ تا ۹۸ همین قانون و همچنین بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی عفو یا تخفیف مجازات محکومان در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رییس قوه قضاییه با مقام معظم رهبری است. آنچه در ماده ۳۹ به وضوح بیان شده، این است که فرد به طور قطعی محکوم به کیفر نشده است تا تداخل با اصل ۱۱۰ قانون اساسی یا مواد ۹۶، ۹۷ و ۹۸ قانون مجازات اسلامی پیدا کند، بلکه دادگاه فقط با احراز مجرمیت متهم، او را از جهات تخفیف محروم نمی‌کند و حکمی که صادر می‌کند او را از مجازات معاف می‌کند (روزنامه حمایت: ۱۳۹۳/۶/۲۶).

ناگفته نماند در مواد بعدی قانون نیز پیش‌بینی شده که ممکن است با وجود صدور حکم معافیت از کیفر، حکم به تعیین کیفر نیز داده شود؛ به طور مثال در تعلیق صدور حکم، صدور حکم را معلق می‌کنیم و با انقضای مدت مقرر می‌توانیم حکم به معافیت از کیفر یا تعیین کیفر بدهیم که در ماده ۴۵ پیش‌بینی شده است.

بنابراین باید گفت هدف از ایجاد تاسیس معافیت از کیفر، اصلاح بزهکار و تشویق او به داشتن رفتار مناسب و قانون‌مند است، به همین دلیل با وجود اینکه احراز مجرمیت می‌شود، دادگاه بزهکار را از کیفر معاف می‌کند البته به شرط آن که در مدت معین مرتکب جرم جدیدی نشود.

۶-۲-۳- عدم سابقه کیفری موثر

بر اساس این ماده، اگر دادگاه تشخیص دهد که بدون اجرای مجازات مرتکب اصلاح می‌شود، می‌تواند حکم به معافیت از کیفر بدهد. شرط برخورداری از این معافیت آن است که شخص سابقه

محکومیت کیفری مؤثر نداشته باشد. تبصره یک ماده ۲۵ بیان می‌دارد که: غیر از موارد این ماده، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود ولی در گواهی‌های صادره از مراجع ذی‌ربط منعکس نمی‌شود، مگر به درخواست مراجع قضایی برای تعیین یا بازنگری در مجازات. همچنین تبصره ماده ۴۰ محکومیت مؤثر را تعریف و مطرح کرده است که محکومیت مؤثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم بر اساس ماده ۲۵ این قانون از حقوق اجتماعی محروم می‌کند.

۶-۲-۴- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

بر اساس ماده ۲۵، محکومیت به حبس (البته از نوع موقت)، شلاق و جزای نقدی در ظاهر ایجاد سابقه محکومیت کیفری مؤثر نمی‌کند؛ بنابراین یکی از شرایط معافیت از کیفر در ماده ۳۹ فقدان سابقه کیفری مؤثر است. شرط دوم آن است که شاکی گذشت کند و محکوم علیه زیان شاکی را جبران کند یا ترتیبی برای جبران آن بدهد. این موارد شرایط معافیت از کیفر در ماده ۳۹ است که ناظر به جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ است. قانونگذار در ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی جدید می‌گوید شرط معافیت از کیفر آن است که باید مدت تعویق بگذرد. مدت تعویق طبق ماده ۴۰، ۶ ماه تا ۲ سال است که دادگاه مدت آن را تعیین می‌کند و لازم است این مدت طی شود تا دادگاه ملاحظه کند شخص مرتکب جرم که مجازاتش تعویق شده، چقدر به دستوراتی که دادگاه تعیین کرده، پایبند بوده است؟ در گذشته این موضوع مطرح بود که تخفیف مجازات و کیفیات مخففه که در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی سال ۷۰ پیش‌بینی شده بود، به معنای حذف مجازات نبود؛ یعنی اعمال کیفیات مخففه نمی‌توانست منتهی به حذف مجازات بشود؛ ولی اکنون قانونگذار در قانون جدید با رعایت شرایطی این موضوع را اجازه داده است. با توجه به فصل چهارم قانون مجازات اسلامی جدید که در باب تخفیف مجازات است، باید گفت که محکومیت قطعی است. در خصوص اینکه گفته می‌شود طبق ماده ۳۹ حکم قطعی نیست، باید گفت حکمی که صادر می‌شود می‌تواند قطعی شود. تفاوت ماده ۳۹ با ماده ۴۵ در قانون جدید مجازات اسلامی این است که در ماده ۳۹ دادگاه ضمن صدور حکم محکومیت مثلاً در فرض تخفیف مجازات، یک تخفیف برای شخص در نظر می‌گیرد یا با لحاظ وضع شخص، حکم معافیت از کیفر صادر می‌کند (همچنین نگ. به: نوربها، ۱۳۸۴: ۳۸۹- گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۳۴۶).

۶-۲-۵- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیب آن

اقدام یا کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم و جبران زیان ناشی از آن، این امر حکایت از ندامت و پشیمانی دارد و از طرفی آسیب‌های وارد شده به مجنی علیه را به حداقل می‌رساند و در تسکین آلام او مؤثر است. تلاش و سعی متهم به منظور کاهش اثرات و عواقب ارتکاب جرم و جبران زیان ناشی از آن از جهات تخفیف مجازات است. وقتی متهم مجروح را برای درمان به بیمارستان رسانیده باشد و یا خسارات ناشی از جرم را جبران کند یا ترتیب جبران آن را برقرار نماید، استحقاق استفاده از جهات مخففه و یا معافیت از مجازات را دارد (گلدوزیان، همان: ۳۴۸).

هرگونه کوشش و اقدام مجرم به قصد جبران ضرر و زیان و کاهش آثار جرم، چه در اثنای جرم و چه پس از آن و نیز جبران زیان مادی و معنوی ناشی از جرم، می‌تواند مجرم را مستحق برخورداری از این ارفاق کند زیرا جبران ضرر و زیان ناشی از جرم، نشانه‌ای از تنبیه مجرم به حساب می‌آید و کسی که پشیمان شده و در صدد جبران خسارت نیز برآمده، شایسته اغماض و تسامح خواهد بود. منظور از عبارت «برقراری ترتیبات جبران آن» نیز آن است که مثلاً خود یا دیگری متعهد شوند که ضرر و زیان و خسارت وارده را خواهند پرداخت. قانونگذار با لحاظ کردن این بند، به نوعی آنچه را که در بند (ج) ماده ۳۸ ق.م.ا به آن اشاره شد تکرار کرده است (توجهی و کوره‌پز، ۱۳۹۱: ۱۰۵).

۶-۲-۶- احراز مجرمیت

دادگاه در حکم ماده ۳۹ قانون مجازات تنها مجرمیت را احراز و فرد را از مجازات معاف کرده است. این مورد با مورد مربوط به محکومانی که بر اساس حکم دادگاه بدوی یا احکام قطعیت یافته محاکم تجدیدنظر به مجازاتی محکوم می‌شوند و پس از طی تشریفات توسط رییس قوه قضاییه پیشنهاد عفو آنان به مقام معظم رهبری داده می‌شود و آن مقام با تسجیل عفو، محکومان را از مجازات مقرر در دادنامه معاف می‌کند، تعارضی ندارد؛ زیرا در حکم مقرر در ماده ۳۹ دادگاه فقط مجرمیت را احراز و فرد را از مجازات معاف کرده است، در حالی که در شرایط مقرر در عفو، مجرم باید محکوم به مجازات شود تا در محدوده شمول اصل ۱۱۰ قانون اساسی قرار گیرد.

۶-۲-۷- پای‌بندی به اجراء دستورات دادگاه

قانونگذار در ماده ۴۲ ق.م.ا به منظور اصلاح و بازپروری مجرمین، آن‌ها را مکلف به رعایت تدابیری نموده است. مطابق این ماده: «تعویق مراقبتی همراه با تدابیر زیر است:

الف- حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضائی یا مددکار اجتماعی ناظر.
ب- ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی. پ- اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی. ت- کسب اجازه از مقام قضائی به منظور مسافرت به خارج از کشور. تبصره تدابیر یاد شده می تواند از سوی دادگاه همراه با برخی تدابیر معاضدتی از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی باشد».

تدابیر نظارتی - حمایتی فوق، حصری است و دادگاه نمی تواند علاوه بر آنچه در ماده ۴۲ ق.م.ا. آمده است، تدبیر دیگری را لحاظ کند. همچنین تبصره این ماده مقرر میدارد: «تدابیر یاد شده می تواند از سوی دادگاه همراه با برخی تدابیر معاضدتی از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی باشد». به این ترتیب اگر موارد مذکور در ماده ۴۲ ق.م.ا. را اعمال نظارتی بدانیم، بی شک تبصره ماده فوق الذکر در جهت حمایت و کمک هرچه بیشتر به مرتکب است تا روند اصلاح و بازپذیری وی شتاب گیرد.

افزون بر رعایت تدابیر مذکور در ماده ۴۲ ق.م.ا، دادگاه با توجه به ماده ۴۳ ق.م.ا. میتواند: «در تعویق مراقبتی، دادگاه صادرکننده قرار می تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق، ملزم نماید:

الف- حرفه آموزی یا اشتغال به حرفه ای خاص. ب- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین. پ- درمان بیماری یا ترک اعتیاد. ت- پرداخت نفقه افراد واجب النفقه. ث- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری. ج- خودداری از فعالیت حرفه ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن. چ- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه دیده به تشخیص دادگاه. ح- گذراندن دوره یا دوره های خاص آموزش و یادگیری مهارت های اساسی زندگی یا شرکت در دوره های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی». دادگاه در صدور دستور، انتخاب نوع و تعداد آن یا خودداری از صدور هرگونه دستور از اختیارات کامل برخوردار است اما دادگاه در انتخاب هریک از این دستورها باید اصل تناسب دستور با نوع و ماهیت جرم ارتكابی را مورد توجه قرار دهد. ابهامی که در اینجا وجود دارد آن است که قانونگذار به تکلیف دادگاه مبنی بر تصریح این دستورها و آثار عدم انجام آنها در ضمن قرار تعویق، اشاره نکرده است که این خود از نکات منفی و چالش برانگیز قانون جدید است (توجهی و کوره پز، همان: ۱۱۱).

ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که دادگاه، زمانی می‌تواند قرار تعویق صدور حکم را درباره مجرم اعمال کند که وی در جلسه دادرسی حضور داشته باشد. این نکته در تبصره یک ماده ۴۱ ق.م.ا.م.د آمده است: «دادگاه نمی‌تواند قرار تعویق صدور حکم را به صورت غیابی صادر کند». زیرا دادگاه باید از تمامی اوضاع و احوال و وضعیت مرتکب آگاه باشد تا بتواند چنین قراری را در حق وی صادر کند و این شناخت تنها با حضور مرتکب در محضر دادگاه حاصل می‌شود. در پایان این بند باید گفت که مطابق ماده ۴۰ ق.م.ا.م.د، مدت تعویق، شش ماه تا دو سال است. هرچه این مدت بیشتر باشد، به ضرر فرد بزهکار است و به نفع جامعه. به ضرر فرد است زیرا وی باید مدت بیشتری نسبت به رفتار خویش مراقبت داشته باشد و به دستورهای دادگاه عمل کند. به نفع جامعه است زیرا در سایه اهمتامی که فرد نسبت به رفتار خود دارد، دفاع اجتماعی به نحو مطلوبتری تأمین خواهد شد (توجهی، ۱۳۹۱: ۹۳).

۶-۲-۸- گزارش‌های مددکار اجتماعی

آنچه که به عنوان محتویات و یا اطلاعاتی که مددکار باید در قالب پرونده شخصیتی نسبت به جمع‌آوری و بررسی آن‌ها اقدام نماید به دو بخش تقسیم و اطلاعات مورد نیاز در هر بخش مشخص گردیده است. بخش اول گزارش در خصوص وضع مادی، اجتماعی و خانوادگی متهم می‌باشد که در حوزه وظایف مددکاران اجتماعی و صلاحیت علمی و تخصصی نیروهای مددکار اجتماعی میباشد و لازم است کارگروه‌های تخصصی نسبت به طراحی پرسشنامه‌ها و فرم‌های مربوطه و برگزاری کارگاه‌های آموزشی نسبت به آموزش و توجیه مددکاران در جهت اجرای دقیق و مستند پرونده شخصیتی برنامه ریزی و اقدام نمایند و اما در خصوص بخش دوم از محتویات پرونده شخصیت که ناظر به گزارش پزشکی و روانپزشکی است تکمیل پرونده و اظهار نظر در صلاحیت مددکاران اجتماعی نبوده و باید توسط نیروهای متخصص پزشکی و روانپزشکی تکمیل و وضعیت متهمین از نظر سلامت جسمی و روانی مورد بررسی قرار گیرد که به نظر می‌رسد قانونگذار نحوه تشکیل بخش دوم از پرونده شخصیتی، افراد صلاحیتدار و نحوه جذب و تعامل آن‌ها در خصوص پرونده شخصیت را مشخص نکرده است. و این امر می‌تواند در روند اجرا و تشکیل پرونده شخصیتی باعث بروز مانع گردد (<http://www.tehranprisons.ir>).

۶-۲-۹- ملاحظه وضعیت مرتکب

وضعیت مرتکب در مدت تعلیق شامل موارد انضباطی مرتکب و همچنین وضعیت روحی روانی مرتکب می‌باشد که به نظر می‌رسد که در نهاد تعویق صدور حکم وضعیت انضباطی مرتکب به لحاظ عدم ارتکاب جرم و بی‌نظمی اجتماعی می‌باشد. بنابراین دادگاه باتوجه به وضعیت انضباطی مرتکب در دوران تعویق و همچنین میزان پایبندی به اجرای دستورات دادگاه و گزارش‌های مددکار اجتماعی از دوران تعویق مرتکب یکی از دو اقدام، تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت (قضایی) از کیفر را صادر می‌کند.

۳-۶-۳- تشخیص اوصاف مجازات، جرم، مجرم و دادرسی در معافیت قضایی از مجازات

مقدمه‌ی بحث معافیت قضایی از مجازات، تشخیص اوصاف مجازات، جرم، مجرم و دادرسی است که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۳-۶-۱- اوصاف مجازات

قاضی باید ابتدا مجازات قانونی منطبق با عمل متهم و اوصاف، کیفیات و کمیت آن را بررسی کند و پس از آن ضمن مقایسه‌ی مجازات اصلی با مجازات جایگزین، اثر هر یک را ارزیابی نماید. شلاق مجازات بدنی موجد درد و رنج بر مجرم است. با توجه به مهم‌ترین هدف مجازات که اصلاح و تربیت مجرم است، نباید با آزار بدنی که موجد واکنش اشد بزهکار است، وی را تحقیر و حس انتقام را در او شعله‌ور نمود. حبس روشی قدیمی در مبارزه علیه مجرمان است و اصلی‌ترین بحث معافیت از مجازات در نظام کیفری، حول این مجازات می‌گردد. در نظام‌های حقوقی کنونی گرایش رایج، به حبس است. بر مجازات حبس انتقادهایی وارد شده که از جمله هزینه‌های ننگه‌داری مجرمان است. در مقابل موافقان زندان را محل تأدیب و اصلاح مجرم می‌دانند و البته در زمینه‌ی رژیم‌های زندان به خصوص زندان‌های کوتاه مدت و بلندمدت اختلاف وجود دارد (نوربها، ۱۳۸۴: ۴۱۳)

مجازات‌های جایگزین، امکان بازگشت مجرم به جامعه و خانواده را فراهم آورده و از اثرات سوء اعمال مجازات بر خانواده‌ی مجرم می‌کاهد. مزیت کیفر مالی که شامل جزای نقدی، مصادره، ضبط و توقیف اموال به عنوان اصلی‌ترین کیفر جایگزین از آن یاد می‌شود، سرعت و سهولت استیفاء و سادگی اجرا است، جلوگیری از تراکم زندان‌ها، کاستن هزینه‌ها و فسادهای تبعی ناشی از حبس به ویژه در حبس‌های کوتاه مدت از دیگر مزایای مجازات‌های جایگزین است. (موسوی بایگی، ۱۳۹۱: ۱۰۵).

مهم ترین هدف مجازات‌ها، ممنوعیت از اشتغال به کسب یا شغل یا حرفه، پیش‌گیری از تکرار جرم در مواردی است که شغل مرتکب فعالیت مجرمانه‌ی وی را تسهیل می‌کند. این مجازات شباهت زیادی به اقدام تامینی دارد و معافیت آن به دلیل آن که فضا و مقدمه‌ی وقوع جرم بوده، با مصالح نظام کیفری موافق نیست.

۶-۳-۲- اوصاف جرم

حقوقدانان جرم را در معنی اخص، عملی دانسته‌اند که قانون آن را از طریق تعیین کیفر منع کرده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ۱۹۱) جرم در مفهومی عام، جرم فعل یا ترک فعل مغایر نظم یا هنجار اجتماعی است که در قانون برای آن مجازات در نظر گرفته شده است و از این حیث تمامی جرایم در یک سطح می‌باشند. سوالی که در این قسمت در پی پاسخ به آن می‌باشیم، این است که اجرای مجازات پیش‌بینی شده در هر یک از جرایم تا چه حد از اهمیت برخوردار است. از آن جا که جرم رفتاری بر علیه هنجارهای عمومی جامعه و زندگی اجتماعی است لذا باید درجه و میزان ضدیت آن با هنجارها سنجش شود. سنجش شدت جرم، رفتار مجرمانه مستلزم برخورد شدیدتر را در راستای جلوگیری از شیوع جرم و تکرار آن جرم در جامعه مشخص می‌نماید. توضیح آن که، ارتکاب برخی جرایم عرف و افکار عمومی جامعه را به شدت آزرده کرده و لذا از دستگاه قضایی توقع برخورد قاطع با رفتار مجرمانه می‌رود. در این دسته از جرایم، دست قاضی برای معافیت از مجازات باز نیست و قاضی تحت تاثیر فشار افکار جامعه، به نوعی مجبور به تعیین مجازات مصرح در قانون است. اشاره‌های قانون نسبت به عدم امکان تسامح در این قبیل جرایم مانند عدم امکان تعلیق مجازات جرایم کلاه برداری، تحصیل مال نامشروع و اختلاس در تبصره‌های مواد ۱-۲-۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری از این رویکرد و فلسفه ناشی می‌شود.

در مقابل ارتکاب برخی جرایم احساس عمومی جامعه را تحریک نکرده یا کم‌تر تحریک می‌کند. در این جرایم، قاضی اختیار بیشتری دارد. به طور کلی می‌توان گفت وقتی مجازات‌ها در بخش عمده‌ای از هدف خود، در پی التیام جامعه از تشویش ناشی از رفتار خلاف نظم عمومی و هنجار می‌باشند، ضرورتی بر اجرای عینی مجازات مقرر قانونی مشاهده نمی‌شود. عمد یا غیر عمدی بودن عمل ارتكابی، ملاکی قوی در نگرش جامعه نسبت به آن می‌باشد.

۶-۳-۳- اوصاف مجرم

مهم‌ترین معیار در معافیت قضایی از مجازات، معطوف به اوصاف شخصیتی مجرم است. انسانی که در محضر دادرس حضور یافته و آماده‌ی شنیدن حکم مجازات خود است، چگونه شخصیتی دارد؛ تا چه اندازه از ارتکاب رفتار مجرمانه پشیمان شده است و تا چه میزان سعی در جبران آثار سوء عمل خود داشته و دارد. ارتکاب عامدانه‌ی رفتار مجرمانه و درجه‌ی سوءنیت مجرمانه نشان دهنده‌ی درجه‌ی حالت خطرناک مجرم است که اقتضای شخصیتی وی را برای تعیین نوع و میزان مجازات نشان می‌دهد. هر یک از این معیارها در مرتکب و تشخیص قاضی نقش به‌سزایی در صدور حکم به مجازات اصلی یا معافیت از آن دارد (موسوی بایگی، ۱۳۹۱: ۱۰۵).

معیار دیگر سابقه‌ی کیفری متهم است. مجرمی که برای بار اول راهی دادگاه شده، نسبت به فردی با سوابق کیفری متعدد، استحقاق بیشتری برای برخورداری از رأفت و بخشش دارد.^۱ وضع زندگی اجتماعی مجرم شامل شغل و پایگاه اجتماعی، وضع معیشت و موقعیت اقتصادی، تحصیلات، وضع خانوادگی و مانند آن معیار مهمی در تشخیص مجازات متناسب است. چنانچه شغل مجرم با جرم ارتكابی مرتبط نیست، معافیت از مجازات یا تبدیل مجازات به مجازاتی مناسب تر با احراز پایگاه اجتماعی مجرم خالی از اشکال است و برای مجرمی با پایگاه اجتماعی بالا و شغل مناسب، مجازاتی مناسب است که از جنبه‌ی حیثیتی، آسیب کم تری را به جایگاه شغلی وی وارد می‌کند. در این حالت مجازات نقدی مناسب‌ترین است و در مقابل مجازات‌های محرومیت از حقوق اجتماعی، حبس و مجازات‌های علنی، شدید محسوب می‌شود. اما در مواردی است که جرم ارتكابی در ارتباط کامل با شغل فرد باشد، حکم به محرومیت‌های موقت یا دائم از شغل مربوطه مناسب می‌باشد. قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ در مواد ۲۹ و ۳۱۵ به تعطیلی محل

۱. برای مطالعه‌ی بیش‌تر در زمینه‌ی «جرم در چهارچوب شخصیت مجرم» بنگرید به: دادستان، ۱۳۸۲: ۱۰۶.

۲. این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی به سبب اشتغال به کسب یا حرفه یا شغل معینی مرتکب جنحه یا جنایتی گردد و اشتغال به آن کسب یا حرفه یا شغل احتیاج به اجازه مقامات رسمی داشته باشد در صورتی که مرتکب به علت ارتکاب این جرم قبلاً نیز محکوم شده باشد و اوضاع و احوال و روحیه متهم منطبق با ماده ۱ این قانون باشد دادگاه می‌تواند ضمن حکم محکومیت دستور منع اشتغال او را به کسب یا حرفه یا شغلش برای مدتی از سه ماه تا دو سال صادر نماید. اثر دستور ممنوعیت مزبور از روز قطعی حکم است ولی مدت آن از روزی شروع می‌شود که اجرای مجازات خاتمه یافته است هر گاه محکوم به طور مشروط آزاد شود شروع دستور ممنوعیت از روزی است که مدت آزادی مشروط خاتمه یافته است و یا از روزی که بقیه مدت مجازات خاتمه پیدا نماید».

۳. این ماده مقرر می‌دارد: «هر مؤسسه‌ای که وسیله برای ارتکاب جرم گردد از قبیل مؤسساتی که در آن‌ها فروش اجناس قاچاق یا مواد مخدره یا سمیات غیر از آن چه برای احتیاجات طبی یا کشاورزی است به عمل آید یا مؤسساتی که موجب تسهیل وسایل برای اعمال منافی عفت هستند به دستور دادگاه که در ضمن حکم مجازات داده می‌شود بسته خواهد شد.

بعد از قطعی حکم بستن مؤسسه محکوم یا اشخاصی که محل از طرف محکوم به آن‌ها به هر نحو واگذار گردیده است نمی‌توانند در آن جا به بازرگانی یا صنعت قبلی اشتغال ورزند. تخلف از این حکم موجب محکومیت به جزای نقدی از ده هزار ریال تا صد هزار ریال و بستن مجدد مؤسسه خواهد بود».

کسب و ممنوعیت از اشتغال به کسب یا حرفه‌ای که وسیله‌ی جرم یا در ارتباط با جرم بوده، اشاره کرده است. قانون مجازات اسلامی نیز در مواد متعددی خصوصاً در فصل دهم (تقسیمات مقامات و ماموران دولتی) و قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری، صحبت از انفصال موقت یا دائم کارمند یا مامور دولتی نموده است. تبدیل این مجازات‌ها که ماهیتی تامینی و تربیتی دارند، حتی با احراز جهات آن توصیه نمی‌شود و شایسته است همان مجازات مقرر در قانون مورد حکم قرار گیرد و در صورت احراز معیارهای دیگری در مرتکب که متناسب کردن مجازات را ایجاب نماید، میزان مجازات تخفیف یابد.

توجه به وضع اقتصادی و معیشت مجرم نیز در تشخیص تناسب مجازات از اهمیت نسبی برخوردار است. این ویژگی، نه صرفاً در تعیین مجازات نقدی بلکه در دیگر مجازات‌ها نیز باید ملحوظ نظر قرار گیرد. در مورد مجرمی که وضع اقتصادی نابه سامانی دارد زندانی کردن او و یا تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی مناسب نیست؛ زیرا در اثر عجز داز پرداخت، باز هم به زندان اعزام می‌شود. در مورد چنین فردی استفاده از نهادهایی چون معافیت از مجازات، تعلیق مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی پیشنهاد می‌شود. برای افرادی که از وضع معیشت مناسب برخوردارند، تبدیل هر نوع مجازات به جزای نقدی می‌تواند مناسب تلقی شود. وضع خانوادگی مجرم و عواقبی که ممکن است از مجازات برای وی و خانواده‌ی او حاصل شود، تاثیر مستقیمی در توجیه لزوم معافیت از مجازات یا تبدیل به مجازات مناسب داشته باشد. هم چنین است میزان تحصیلات مجرم، بدان جهت که زمینه‌ی آگاهی فرد نسبت به شناعة رفتار خود و عواقب آن می‌شود (صلاحی، ۱۳۸۶: ۱۲۲).

۶-۳-۴- اوصاف دادرسی

بحث حاضر دارای چند جنبه است: نخست جایگاهی که از نظر نظام دادرسی قاضی در آن قرار دارد. قاضی دادگاه انقلاب یا دادگاه‌های کیفری عموماً با جرایمی شدید و مجرمانی با حالت خطرناک مواجه می‌باشند که به دلیل آثار اجتماعی آن معافیت قضایی از مجازات باید با دقت صورت گیرد. شخصیت قاضی است که می‌تواند در تعیین مجازات بسیار مهم باشد و کم تر در بحث‌های کیفرشناسی به آن پرداخته شده است. در بحث تعیین مجازات مناسب نمی‌توان تنها به نقطه نظر حقوقی که دائماً انگیزه‌های عقلانی حقوق عمل انجام شده را در قضاوت‌ها و صدور احکام مجازات به عنوان انگیزه‌های واقعی، منحصر به فرد و قطعی تصمیمات تلقی می‌کند، اکتفا کرد. با اذعان به این که قاضی به اصول و قواعد حقوقی پای بند است، اما گاه علی زمینه‌های

اتخاذ تصمیم اشتباه را فراهم می‌سازد. حتی برای قاضی این امکان وجود دارد که ماجرا را از زاویه‌های متفاوت بنگرد از جزئیات و تفصیلات خاصی صرف‌نظر کند و برای برخی جزئیات ارزش بیشتری قائل شود. در وهله‌ی اول، افکار و عقاید قاضی درباره‌ی مسائل اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی یا سیاسی؛ در شیوه‌ی استنباطی قضایی وی تأثیرگذار است. عکس‌العمل طبیعی قاضی در برابر موقعیت‌های متاثر کننده ممکن است او را از مسیر حق منحرف سازد. گرایش‌های انسانی و دل‌سوزی نسبت به قربانیان جرم نیز می‌تواند قضاوت قاضی را تحت تأثیر قرار دهد (موسوی بایگی، ۱۳۹۱: ۱۰۷).

۳-۵- برخی از چالش‌های نهاد معافیت قضایی از مجازات در حقوق کیفری ایران
ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مورد توجه بسیاری از حقوقدانان قرار گرفته و با گذشت زمان اندکی از تصویب قانون مجازات اسلامی جدید، موافقان و منتقدان جدی پیدا کرده است. در این ماده مقرر شده است: «در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن، می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند.»

اختیاری بودن حکم به معافیت قضایی

دادگاه وقتی که مجرمیت را احراز کند؛ یعنی نمی‌تواند حکم به برائت صادر کند؛ زیرا فرض بر این است که با ادله‌ای که ارائه شده و دادگاه در فرایند قضایی به آن رسیدگی کرده است، مجرمیت برای او احراز شده است. با این حال در ماده قانونی یادشده آمده است که قاضی در موارد یادشده به جای حکم محکومیت یعنی اجرای مجازات متهم را معاف و به عبارت آسان‌تر متهم را رها کند؛ البته در ماده ۳۹ قیودی هم برای این کار ذکر شده است.

تعارض معافیت قضایی با قواعدی از حقوق جزا

ما در قانون جزا اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها را داریم که در دو اصل از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم به آن تصریح شده است: یعنی اصول ۳۶ و ۱۶۹. معنی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها آن است که اگر قانونا جرمی پیش‌بینی نشده است و عنصر قانونی جرم وجود ندارد، دادگاه باید حکم به برائت دهد و اگر جرمی در قانون پیش‌بینی شده باشد، باید

حکم به محکومیت صادر کند. در مورد حکم محکومیت دادگاه اجازه دارد بر اساس تاسیسات و ارفاقات منبعت از حقوق جزای عمومی، مثل تخفیف مجازات یا تعلیق اجرای کیفر، متهم را به تحمل مجازات مناسب محکوم کند یا تخفیف دهد (مجازات‌ی پایین‌تر از حداکثر در نظر گرفته‌شده در قانون تعیین کند) یا اجرای کیفر را برای مدتی معلق اعلام کند. اما شکل سومی که اکنون پیش‌بینی شده این است که دادگاه مجرمیت را تشخیص می‌دهد و به تبع نمی‌تواند حکم به برائت دهد؛ اما حکم به مجرمیت هم نمی‌دهد یعنی کیفری تعیین نمی‌کند که بخواهد تخفیف دهد یا اجرای آن را معلق کند، بلکه با وجود احراز رفتار مجرمانه شخص، بنا بر اجازه‌ای که در ماده ۳۹ داده شده است و بیان داشته در این دو نوع کیفر اگر تصور شود که با مجازات نشدن، این فرد اصلاح می‌شود، دادگاه اجازه دارد که حکم به معافیت از کیفر دهد.

نتیجه‌گیری

معافیت از مجازات یک وسیله ارفاقی است که دادگاه با رعایت شرایطی به مجرم اعطا می‌کند اما در قانون مجازات اسلامی، تعریفی از معافیت (قضایی) از مجازات دیده نمی‌شود به طور کلی معافیت از مجازات عبارت از روش قانونی زوال مجازات است که به موجب آن دادگاه با رعایت شرایطی می‌تواند مجازاتی را که در دادنامه قید نموده است با هدف اصلاح و تربیت مجرم حکم به اجرای آن ندهد. بنابراین معافیت از مجازات یکی از راه‌های قانونی اعطای فرصت به مجرم برای خودداری از ارتکاب جرم و آماده شدن برای بازگشت مجرم به زندگی عادی در جامعه است. در افرادی که به‌صورت اتفاقی مرتکب جرم شده‌اند، صدور رای معافیت از مجازات موثرتر است؛ اما درباره افرادی که مرتکب جرم عمدی می‌شوند، استفاده از معافیت از مجازات اثر منفی در جامعه خواهد داشت. البته زندان اثرات منفی بیشتری برای جامعه و خانواده زندانیان و حتی فرد زندانی دارد؛ چون تنها زندانی نیست که با رای قاضی گرفتار می‌شود؛ بلکه خانواده و افراد تحت تکفلش هم گرفتار مشکلات فراوان اقتصادی، روحی، روانی و اجتماعی و اخلاقی می‌شوند. بنابراین، اگر حکم معافیت از مجازات نسبت به مجازات مجرمان صادر می‌شود، مسلماً اثر مستقیمی بر خانواده و جامعه دارد و قطعاً اثرات مثبت آن بیشتر از تبعات منفی آن است. ولی از سوی دیگر، اگر قرار باشد هر کسی جرمی می‌کند عملاً مجازات نشود، اثر سوء آن در جامعه کم نیست. چرا که کسانی که عادت به ارتکاب جرم دارند یا به‌طور عمد مرتکب جرمی می‌شوند؛ مثل ارتکاب جرم در مسائل اقتصادی و کلاهبرداری که در جامعه ما هم زیاد است، صدور حکم به معافیت از مجازات برای این دسته از افراد باعث می‌شود جرم در جامعه اشاعه پیدا کند.

مهم‌ترین و اساسی‌ترین اثر صدور معافیت از مجازات، جلوگیری از اجرای حکم محکومیت به مجازات است، خواه این مجازات حبس باشد و خواه جزای نقدی. بنابراین اگر متهمی به هنگام دادرسی در بازداشت باشد به دستور دادگاه فوراً آزاد می‌گردد. از آثار حقوقی دیگر معافیت از مجازات، عدم بوجود آمدن پیشینه کیفری است. به این معنی که به موجب ماده ۳۹ و ۴۵ قانون مجازات اسلامی در صورت صلاحدید قاضی، مجرم را از تحمل مجازات نجات می‌دهد و پرونده‌ی او بدون ثبت و بایگانی شدن از مرحله تشکیل سجل کیفری خارج می‌شود و سجل کیفری برای او تشکیل نمی‌شود. در خصوص خصوصیات معافیت از مجازات باید به موارد زیر اشاره کرد:

۱- معافیت از مجازات حق مجرم نیست، بلکه امری است در صلاحیت و به صلاحدید و اختیار قاضی. قاضی مختار است از معافیت از مجازات استفاده کند یا نکند. این امر با توجه به میزان تقصیر مجرم، نوع جرم، نوع شخصیت و میزان ندامت وی تعیین می‌شود. قضات اغلب کسانی را که می‌شوند که مجازات تعزیری (درجه هفت و هشت به استناد ماده ۳۹ و درجه شش به استناد ماده ۴۵ و ۴۰ قانون مجازات اسلامی) دارند، مشمول معافیت از مجازات می‌کنند. ۲- این ارفاق به مجرم با هدف اصلاح و بازپروری آنان انجام می‌شود. ۳- از آنجا که معافیت از مجازات در جهت فردی کردن مجازات است، باید با نوع جرم و مجازات مجرم همخوانی داشته باشد و در مواردی به کار می‌رود که امید به اصلاح مجرم است و بیشتر مواردی است که جرمی کوچک یا غیرعمدی مرتکب شده است. ۴- معافیت قطعی مجرم و پاک شدن دامن وی از ننگ این جرم بسته به حسن رفتار وی در مدت بعد از معافیت وی و مرتکب نشدن جرم جدید است.

در برخی موارد قانون دست قاضی را در صدور حکم معافیت از مجازات بسته است. نمونه‌های ممنوعیت اقدام قاضی در صدور حکم به معافیت از مجازات مانند کلاهبرداری، افراد سابقه‌دار و قتل عمد است و از طرفی، قاضی می‌تواند در مورد جرایم غیرعمدی همچون تصادفات غیرعمدی یا جرایم اتفاقی که ضرر و زیان جانی یا مالی بر اثر اتفاق و صدمه به وجود آمده حکم مجازات تعویقی صادر کند. به عبارت دیگر، معافیت از مجازات تنها درباره مجازات‌های تعزیری درجه‌های شش و هفت و هشت ممکن است. ضمن این که مواردی هم در قانون بیان شده که هر چند تعزیری است، ولی قابل معافیت قضایی از مجازات نیست. چنانچه فرد بزهکار در مدت تعویق مرتکب جرمی نشود و همچنین به دستورهای دادگاه عمل کند ممکن است دادگاه به صورت قطعی وی را از مجازات معاف کند. به موجب ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی: «پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش‌های مددکاران اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام

می‌کند». فلذا اگر فرد بعد از طی مدت تعویق و اصدار حکم معافیت از کیفر در حق وی، مرتکب جرمی شود، به سان کسی است که برای بار نخست، مرتکب جرم شده است.

منابع و ماخذ

- ۱- اردبیلی، م.ع. (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی، جلد سوم، تهران: نشر میزان.
- ۲- اردبیلی، م.ع. (۱۳۷۸). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- ۳- باهری، م. (۱۳۱۰). نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات مجد.
- ۴- باهری، م. (۱۳۸۴). نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات مجد.
- ۵- بخشی زاده اهری، ا. (۱۳۹۲). محشای قانون مجازات اسلامی، تهران: نشر اندیشه عصر.
- ۶- پاک نهاد، ا. (۱۳۸۵). عذر تحریک؛ مبانی و آثار مطالعه‌ای در حقوق ایران و انگلستان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۴.
- ۷- تدین، ع. (۱۳۹۳). قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، تهران: معاونت حقوقی قوه قضائیه.
- ۸- توجهی، ع و کوره پز، ح.م. (۱۳۹۱). «درآمدی بر نهاد تعویق صدور حکم در حقوق ایران، آلمان و فرانسه». پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره پنجم.
- ۹- توجهی، ع. (۱۳۹۱). تقریرات درس حقوق کیفری عمومی. دوره کارشناسی ارشد (نیمسال دوم تحصیلی)، دانشگاه تهران (پردیس قم).
- ۱۰- جعفری لنگرودی، م.ج. (۱۳۸۵). ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۱۱- حبیبی، ح. (بی تا). معاذیر قانونی معافیت از مجازات!
- ۱۲- خاموشی، سید م. (۱۳۸۵). بررسی فقهی و حقوقی اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها، تهران: امیرکبیر.
- ۱۳- دادستان، پ. (۱۳۸۲). روا شناسی جنایی، تهران: سمت.
- ۱۴- ذوالعین، پ. (۱۳۸۹). حقوق دیپلماتیک، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۵- رضایی نژاد، ا. (۱۳۸۶). جرم و مجازات (مجازات قانونی، مجازات قضایی)، تهران: معاونت آموزش قوه قضائیه.
- ۱۶- روزنامه حمایت مورخ ۱۳۹۲/۸/۳۰
- ۱۷- سمیعی، ح. (۱۳۷۸). حقوق جزا، چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.
- ۱۸- شامبیاتی، ه. (۱۳۷۸). حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات ژوبین.
- ۱۹- شمس ناتری، م.ا. (۱۳۸۳). «اصل برائت و موارد عدول از آن»، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)؛ تهران: انتشارات سمت.
- ۲۰- شیرینی، ع. (۱۳۷۲). حقوق جزای عمومی. چاپ دوم، انتشارات دانش

- ۲۱- صانعی، پ. (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران: انتشارات طرح نو.
- ۲۲- صدر، ج. (۱۳۸۹). حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۳- صلاحی، ج. (۱۳۸۶). کیفرشناسی، تهران: میزان.
- ۲۴- گلدوزیان، ا. (۱۳۷۸). حقوق جزای اختصاصی، جهاد دانشگاهی.
- ۲۵- گلدوزیان، ا. (۱۳۸۴). بایسته‌های حقوق جزای عمومی ۳/۲/۱، تهران: میزان.
- ۲۶- محسنی، م. (۱۳۷۶). حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۲۷- موسوی بایگی، سید ع. (۱۳۹۱). تعدیل و تبدیل مجازات و چالش‌های آن در نظام حقوقی ایران، فصلنامه تعالی حقوق / دوره جدید / شماره.
- ۲۸- مهدوی، ح. (بی تا). مندرج در مجله پیام آموزش شماره ۲۸.
- ۲۹- نوربها، ر. (۱۳۸۴). زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش.
- ۳۰- ولیدی، م. ص. (۱۳۷۴). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: دفتر نشر داد.

- قوانین و مقررات

- ۳۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۳۲- قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴
- ۳۳- قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲
- ۳۴- قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱
- ۳۵- قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰
- ۳۶- قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵
- ۳۷- قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲
- ۳۸- قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸
- ۳۹- قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲
- ۴۰- قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه ۲۰۰۷
- ۴۱- قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری ۱۳۵۶

پایگاه‌های اینترنتی

- 42- <http://hamidkhanzadeh.blogfa.com/post-62.aspx>
- 43- <http://www.hvm.ir/print.asp?id=38598>
- 44- <http://dadnameh>
- 45- <http://www.evazfardlawyer.ir/index>
- 46- <http://www.tehranprisons.ir>